




پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



الگوی پروپاگاندای رسانه‌ای داعش در مجله دابق

سیده زهرا کاظمی گودرزی
سیاوش صلواتیان



• هوالـمـيـج

گزارش همیشه

الگوی پروپاگاندای رسانه‌ای داعش در
مجله دابق

سیده زهرا کاظمی گودرزی

سیاوش صلواتیان



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
عنوان: الگوی پروپاگاندای رسانه‌ای داعش در مجله دابق
نویسندگان: سیده زهرا کاظمی گودرزی - سیاوش صلواتیان
ویراستار: پروین حاجی پور
صفحه‌آرا: حسین آذری
نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۸
شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: الگوی بین مجله‌ای

شماره اول مجله دابق.....	۸
شماره دوم مجله دابق.....	۱۱
شماره سوم مجله دابق.....	۱۳
شماره چهارم مجله دابق.....	۱۵
شماره پنجم مجله دابق.....	۱۷
شماره ششم مجله دابق.....	۱۸
شماره هفتم مجله دابق.....	۲۱
شماره هشتم مجله دابق.....	۲۳
شماره نهم مجله دابق.....	۲۵
شماره دهم مجله دابق.....	۲۶
شماره یازدهم مجله دابق.....	۲۷
شماره دوازدهم مجله دابق.....	۲۹
شماره سیزدهم مجله دابق.....	۳۲
شماره چهاردهم مجله دابق.....	۳۳

فصل دوم: الگوی درون مجله‌ای

الگوی پروپاگانداى رسانه‌ای..... ۳۶

فصل سوم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیشنهادهای کاربردی..... ۵۵

فهرست منابع..... ۷۵

مقدمه

موج فراگیر رسانه، امروز حقیقتی است که نمی‌توان و نباید نادیده گرفت. رسانه‌ها پل ارتباطی و بلکه وسیله تسلط بر افکار، اراده و احساسات بشریت دوران معاصر به شمار می‌آیند. برخی نظریه‌پردازان ارتباطات این‌گونه بیان داشته‌اند که امروز، جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد. امروز، موفق کسی است که در عرصه رسانه موفق است. رسانه‌های جهانی امروز، نقش و جایگاهی بی‌سابقه در کنترل و هدایت افکار عمومی یافته‌اند. گروه‌های تکفیری، به‌خصوص داعش، به اهمیت این امر پی برده‌اند؛ و شاهد آن بوده‌ایم که داعش، پیش از آنکه در عرصه میدانی پیروز شود، در رسانه و تبلیغات پیروز بوده است. موفقیت‌های درخور توجه در جذب مخاطب و داشتن مخاطب گسترده در جهان، بر جذابیت این گروه دلالت دارد؛ جذابیتی که می‌تواند از آن برای پیشبرد اهداف خود بهره برد. این تأثیرگذاری سریع و شدید بر افکار عمومی به‌یقین از طریق ابزار و شیوه‌های هدفمند و کنترل‌شده‌ای صورت می‌گیرد. رسانه و به‌ویژه دایق، در زمان انتشارش، به هسته اصلی و نقطه اتکای ایشان بدل گشته است. این همه کار رسانه‌ای و تبلیغاتی (به‌رایگان در دسترس) بی‌شک هدف یا اهداف خاصی را دنبال می‌کند.

همه ما در قبال افکار عمومی مسئولیم و باید احساس وظیفه و تعهد

کنیم و نه تنها نگذاریم روایت آن‌ها به دست مخاطبان ما برسد، بلکه در ارائه روایت خود از پیام‌ها و متون این گروه‌ها دست‌پیش را بگیریم و ترفندها و توطئه‌ها را آشکار سازیم؛ چراکه همواره باید هوشیار بود و غفلت نکرد که غفلت، حمله را در پی دارد و به زیانی سخت و آشکار منتهی خواهد شد. این گروه، بسیار برنامه‌ریزی شده و هدفمند در حوزه‌های مختلف از جمله رسانه به فعالیت می‌پردازد. مجلهٔ دابق که از رمضان ۱۴۳۵ تا شوال ۱۴۳۷ به صورت منظم منتشر شد، گواهی بر این مدعاست. تحلیل و بررسی محتوای مجلهٔ دابق داعش در این گزارش در دستور کار ماست تا دریابیم که داعش چگونه با پروپاگاندا به جذب نیرو می‌پردازد. تجهیز مخاطب در عوض حفاظت از وی در برابر رسانه‌های مضر باید مدنظر واقع شود. مهارت مخاطب را برای گزینش و بهره‌مندی از رسانه باید افزایش داد. کسب بینش، امری الزامی است که موجب می‌شود فرد در برابر تأثیرات پنهانی و شریانه که خود را در ضمیر ناخودآگاه جای می‌دهند، واکنش نشان دهد. این امر مستلزم تمرینی است که رسیدن به آگاهی را در پی دارد که خود استفادهٔ آگاهانه، ما را از مخاطرات و آسیب‌های پنهان در امان نگه می‌دارد.

آگاهی بخشی از طریق آشنایی با فن‌های تبلیغاتی برای جذب نیرو ضرورت دارد؛ زیرا تأثیرگذاری فوق‌العادهٔ داعش به مدد همین تبلیغات رسانه‌ای بوده است. در این صورت است که می‌توان به باطل پنهان این به‌ظاهر حقایق پی برد و انتخاب رسانه‌ای درستی داشت؛ چراکه ریشهٔ همهٔ مصائب در حیات اجتماعی و فرهنگی، جهل است. شناخت و واکاوی دقیق به سیاست و خلق طریق مقتضی مدیریت صحیح و جهت‌دهی مناسب افکار عمومی ختم خواهد شد و خنثی‌سازی اثرات سوء را دربر خواهد داشت. آگاه‌سازی افکار عمومی در این خصوص، برخورد هوشمندانه و هوشیارانه را ثمر خواهد داد. واکاوی دقیق اهداف پیدا و پنهان، امری ضروری است؛ چراکه ویژگی‌های مخفی برای بسیاری از افراد شناختنی نیست و به بصیرت نیاز دارد که همانا شفاف‌سازی و تبیین ابعاد مختلف است. رسانه‌ها همان‌طور

که مولای متقیان، امام علی (ع)، فرمودند، مشتی از حق و مشتی از باطل را باهم درمی‌آمیزند و شما متوجه فرق آن‌ها نمی‌شوید (صبحی صالح، ۱۳۵۹: ۸۸). اگر کسی می‌خواهد راه حق را طی کند و در آن استوار بماند، باید راه باطل و باطل‌گرایان را بشناسد.

حال اگر می‌بینیم که باورها و ارزش‌های اهل باطل که هیچ ریشه و اساسی ندارند، این‌طور در سراسر جهان اثرگذار بوده‌اند، رمز موفقیت آن‌ها را در ابزار و شیوه‌های تبلیغی‌شان باید جست‌وجو کرد. امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در وصیت‌نامهٔ سیاسی الهی خویش این‌گونه فرمودند: «امروز، جهان روی تبلیغات می‌چرخد. هدایت تکلیف است. نباید نشست و تماشاگر معرکه بود» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۹). مقام معظم رهبری نیز این‌طور می‌فرماید: «بصیرت، قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیدهٔ امروز است؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود، ممکن است ناگهان خود را در محاصرهٔ دشمن ببیند» (ابراهیمی کیایی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). بررسی مجلهٔ دابق با رهیافت علمی و پژوهشی، افکار عمومی را در این خصوص آگاه‌تر می‌سازد تا به ابعاد مختلف مقاصد پنهانی موجود در آن پی‌برند؛ و امید است که برای جامعهٔ علمی و فرهنگی کشورمان و ان‌شاءالله برای جامعهٔ مسلمانان مفید فایده واقع شود.

شمار نام‌های رسمی و غیررسمی متعددی که تحت آن‌ها تولیدات مرتبط با دولت خلافت منتشر می‌شوند، نشان از اهمیت فعالیت‌های رسانه‌ای در میان این گروه دارد. نام‌های رسمی مانند مؤسسهٔ فرقان و الحیات که بیشتر تولید آثار بین‌المللی را بر عهده دارند؛ مؤسسه‌های الاعتصام و اجناد که این‌آخری فقط آثار صوتی و به‌ویژه سرودها را تولید می‌کنند؛ همچنین مؤسسه‌های ترجمان‌الاساورتی، عبوة لاصقة، البتار، سریه‌الملحمه، الجبهة الاعلامية لنصرة الدولة الاسلامية، الخلافة، صناعة الرجال و مؤسسات رسانه‌ای دیگری از این دست که آثار حامی دولت خلافت را تولید می‌کنند. افزون بر این مؤسسات، هریک از ولایت‌های دولت خلافت (شامل ولایت‌های موصل، جزیره، جنوب، شمال

بغداد، فرات، دجله، فلوجه و صلاح‌الدین در عراق و ولایت‌های حمص، دمشق، رقه، برکه، الخیر و حلب در سوریه و همچنین ولایت‌های دیگری که در یمن، لیبی، قفقاز، افغانستان و آسیای مرکزی (ولایت خراسان) اعلام موجودیت کرده‌اند) دفترهایی تبلیغاتی تحت عنوان «المکتب الاعلامی» دارند که آثار تصویری مرتبط با فعالیت‌هایی را که در آن ولایت شکل می‌گیرند، تولید می‌نمایند (قزوینی حائری، ۱۳۹۴: ۱۵۱). دابق مجله برخط (آنلاین) انگلیسی‌زبان تولید مرکز رسانه‌ای الحیات^۱ است. نام دابق از ناحیه‌ای به اسم دابق در ریف شمالی حلب در شام گرفته شده است. این مکان در حدیثی نام برده شده است که به توصیف برخی رویدادهای ملاحم می‌پردازد؛ رویدادهایی که گاهی در انگلیسی با عنوان آرماگدون به آن‌ها اشاره می‌شود (دابق، ۱۴۳۵: ۳).

در این پژوهش، پیشینه‌های تاریخی فعالیت‌های رسانه‌ای و مبانی فکری و عقیدتی این گروه را مورد مطالعه قرار دادیم. همان‌طور که می‌دانید، جلب مخاطب و جذب نیرو مستلزم متقاعدسازی و اقناع است؛ از این رو مبانی نظری در این خصوص نیز مطالعه شدند؛ ولی با پرهیز از مقوله‌های پیش‌پنجاهه سعی کردیم شناختی بدیع حاصل شود و به همین خاطر به روش تحلیل مضمون توسل جستیم. ۱۴ شماره اول مجله دابق انتخاب شدند. پس از فیش‌برداری نمونه‌ها، ابتدا نمونه‌ها به تعداد به ترتیب هر شماره ۱۴۳، ۱۰۴، ۸۲، ۱۲۳، ۷۳، ۵۴، ۱۲۵، ۱۱۸، ۱۳۷، ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۰۹، ۸۴ و ۸۲ دسته‌بندی و سپس مضامین مرتبط در دو جدول جداگانه بر اساس کدگذاری باز به تعداد به ترتیب هر شماره ۹۴، ۳۵، ۲۳، ۳۰، ۳۱، ۱۰، ۵۶، ۳۹، ۳۳، ۵۷، ۴۰، ۶۲، ۳۷ و ۳۷ طبقه‌بندی شدند و کدگذاری محوری به تعداد به ترتیب هر شماره ۲۶، ۲۹، ۲۸، ۳۸، ۱۵، ۱۳، ۳۰، ۴۹، ۶۵، ۲۰، ۴۶، ۱۴، ۹ و ۲۰ صورت گرفت. آنگاه فنون تبلیغاتی مربوط بر اساس تفسیر پژوهشگر استخراج شدند و جدول جداگانه‌ای نیز به تحلیل عکس‌ها اختصاص پیدا

کرد که شامل توضیح نمونه عکس به تعداد به ترتیب هر شماره ۲۳، ۴۰، ۳۱، ۵۵، ۲۷، ۳۱، ۳۹، ۳۰، ۳۹، ۲۷، ۳۵، ۳۳، ۳۸ و مضامین مرتبط با آن و فن تبلیغاتی مبتنی بر تفسیر مضمون است. بعد از انجام دادن این مراحل برای هر ۱۴ مجله، بر اساس یافته‌ها مشخص شد که مجلهٔ دابق را در مجموع یک مجلهٔ تبلیغی با محتوای سراسر تبلیغاتی برای جذب نیرو می‌توان در نظر گرفت که به سه صورت دعوت به هجرت به سرزمین مبارک شام، سرزمین دارای اهمیت عراق، سرزمین دارای حکمت یمن و... یا دعوت به صورت گرگ‌های تک‌نفره‌ای که در سرزمین‌های خود برای دولت اسلامی می‌جنگند و یا دعوت به صورت پیوستن به صفوف مجاهدین خلافت در مناطق خود عمل می‌کند و فقط مسلمان سنی را برای این منظور خطاب قرار می‌دهد. دابق از الگوهای برای جذب مخاطب بهره می‌برد که ابتدا بر عوامل مشترک مسلمانان و سپس بر عوامل مشترک اهل سنت تأکید دارند. الگوی نخست حاصل که الگوی تبلیغی بین مجله‌ای است، خود از الگوی دیگری با عنوان الگوی تبلیغی درون‌مجله‌ای بهره می‌برد که هر دوی آن‌ها ضمن برخورداری از جزئیاتی که توضیح داده خواهند شد، تصویر بزرگ‌تر یک الگوی دوبخشی را به نمایش می‌گذارند.

فصل اول: الگوی بین مجله‌ای

از محتویات دابق چنین برمی‌آید که داعش برای خود رسالت قائل است و خود را بر منهاج نبوت می‌داند؛ از این رو از ویژگی‌ها و صفات رسولان الهی برای جذب مخاطب بهره می‌برد که تجلی هر یک از صفات ارائه شده را به‌طور ویژه در هر مجله در قالب الگویی بین مجله‌ای می‌توان مشاهده کرد که موارد تکراری حول یک موضوع خاص را دربرمی‌گیرند و آن‌ها را همچون روح حاکم بر هر مجله می‌توان درک کرد و بر این اساس منهاج غیرنبوی را برای همه غیر خود قائل می‌شود. بهره‌برداری از منهاج رسول‌الله (ص) با استناد به آیات قرآن که معتبرترین منبع در میان مسلمانان محسوب می‌شود و استناد به روایات منابع سنی به‌خصوص صحاح سته و به‌ویژه صحیح مسلم و صحیح بخاری که موثوق‌ترین منابع در میان اهل سنت به شمار می‌آیند و نیز دست گذاشتن روی موضوعاتی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، گواه مهارت و ظرافت درخور توجه در گزینش آن‌هاست.

شماره اول مجله دابق

شماره اول با حدیث آخرالزمانی دابق آغاز می‌شود که به نبرد نهایی بین مسلمانان و صلیبی‌ها در دابق اشاره دارد و با همین حدیث نیز خاتمه پیدا می‌کند که نشانگر نگاه آخرالزمانی (نگاه بسیار حدیث‌گرایانه برای استفاده از آخرالزمان برای کسب مشروعیت) داعش است. این نگرش همه‌جانبه‌ای مشروعیت‌بخشی را پُر می‌کند و آن‌ها را به‌عنوان کسانی که در آخرالزمان می‌آیند، می‌قبولاند که به لحاظ تبلیغی و روانی بسیار حائز اهمیت است. این حدیث مهم‌ترین حدیثی است که داعش بدان تمسک می‌جوید. داعش بیش از سایر گروه‌ها از مفاهیم آخرالزمانی در ادبیات خود بهره می‌برد؛ مفاهیمی که هسته اصلی ایدئولوژی این گروه به شمار می‌آیند. آن‌ها بر اساس این مفاهیم سناریویی ترسیم می‌کنند که گاهی رقیق‌تر و گاهی غلیظ‌تر است. در این سناریو، اندیشه خلافت، جان و نیروی تازه به ایمان کهنه می‌بخشد و عاقبت نیک را برای پرهیزگاران در پی دارد. از این رو، داعش به احیای خلافت می‌پردازد و اشاره تاریخی به دوران عزت و اقتدار مسلمانان دارد و بشارت و وعده بازگردانی آن را می‌دهد که هدفش، تصاحب قلوب و اتحاد آن‌هاست؛ و پروبال عطوفت برای مؤمنان پیرو فرود می‌آورد که ثمره‌اش برادری ایمانی است.

این‌طور بیان می‌دارد که خدا مقدر کرده است که آن‌ها در مسیر فوز و رستگاری و دیگران در مسیر خسران باشند. معتقد است از امداد الهی برخوردارند؛ گویی خدا کارگردان رسالت (به باور ایشان جهانی) آن‌هاست؛ و بدین واسطه به بیان زیبایی‌ها می‌پردازد و آنچه آراسته به فضایل اخلاقی و مظهر و مجموعه‌ای از صفات برجسته انسانی (صداقت، اخلاص، صبر و...) است؛ و در مقابل، به زشتی‌های اعمال دیگران اشاره می‌کند. معتقد است چون برحق هستند، خدا راه عبور از تنگناها را نشانشان می‌دهد و لشکرشان پیروز است؛ چراکه دینشان برحق و راستین و مطالبه‌شان عادلانه است و هر تهدیدی، برای رجل الهی، تبدیل به فرصت می‌شود و کار خدا باخت ندارد. آن‌ها طلوع بزرگ (آفتاب قدرت بلامنازع دولت اسلامی در حال طلوع کردن است) را پس از غروب خونین در

سایه شمشیر و نیزه امید و انتظار دارند؛ چون که در میدان کارزار، قدرت شمشیر هرکس معرف اوست. باور دارند مسیر ولایت شاخصه آن‌هاست؛ از این رو منزه از کذب هستند.

معتقد است باب جهاد و حکومت را کسی جز آن‌ها نکوفت. هم به سیاست و هم به دیانت توجه دارد که همانا پیروی از ملت ابراهیم (برائت از همه) است که بیزار نبودن از دولت اسلامی امروز و به دنبال تخریب و تضعیف آن نبودن، واجب بودن پیروی از ملت ابراهیم است که احیای خصایص آن را وظیفه خود می‌داند و عزت خود را همچون عزت ابراهیم (ع) در گرو اجرای فرامین الهی؛ از جمله از فرمان خدا به او برای ترک قومش و هجرت از سرزمینش، جهت زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای هجرت بهره می‌برد. نقشه راه برای هجرت تا خلافت عرضه می‌دارد. روی گردانان از خود را بی‌خرد می‌خواند و برای خویش نقش هدایتگری قائل است که به ساحل نجات منتهی می‌گردد. به نیاز مردم توجه دارد و در تأمین آن‌ها با ایشان همکاری می‌کند و در عوض، پشتیبانی، بیعت، مشاوره، دعا، مال، اسلحه، توان، عقیده و ترغیب جوانان به پیوستن به مجموعه نظامی دولت اسلامی را خواستار است. خدمت‌رسانی و تأمین امنیت و ثبات را در دستور کار دارد و به غیرنظامیان آسیب نمی‌رساند.

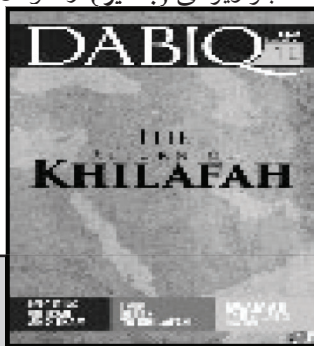
به اجرای شریعت و احکام الهی می‌پردازد. مهم‌ترین هدف جماعت را احیای توحید می‌داند. از توبه و بیعت هزاران مرتد سخن می‌گوید. مفهومی جدید از تروریسم بیان می‌دارد که آن را از کاربرد امروزی‌اش خالی می‌سازد. به بیان پیروزی‌ها و گسترش قلمرو می‌پردازد. به شبهات پاسخ می‌دهد؛ بدین صورت که شبهات سابق را مطرح می‌کند و بعد پاسخ می‌گوید. اخلاص خود و مجموعه خود را موجب تحت‌تأثیر واقع نشدن حتی دون‌پایه‌ترین سرباز خود می‌داند و تخریب بنای ساخت مردان با اخلاص را زیننده نمی‌داند. از نظر داعش، راه دریافت هدایت ویژه، تلاش خالصانه برای خداست. صبر بر مصائب و پابندی به بیعت را توصیه می‌کند. دعوات، برخلاف سرزمین‌های طواغیت، در اینجا آزادند. اذعان دشمنان و پذیرش و استقبال عمومی را برای نشان دادن و

تأیید قدرت، صداقت و حقانیت خود به کار می‌برد. فریادرس مسلمانان ضعیف و مظلوم است. پس این‌طور می‌توان گفت که داعش، به نقش هیستوریک ارتباط‌دهنده دوران طلایی گذشته و دوران آخرالزمان پی برده است.

شماره نخست بر منهای بشارت تأکید دارد تا از ابتدا با چاشنی فن داشتن هدف و نیت خیر (متولی، ۱۳۸۴: ۱۵۲) و با تمسک به حافظه تاریخی و یادآوری و اشاره هوشمندانه به دوران عزت و اقتدار مسلمانان در صدر اسلام و نیز دادن وعده بازگرداندن آن دوران به واسطه تلفیق آن با دوره آخرالزمان با انتخاب ظریف حدیث دابق از منبع موثق صحیح مسلم، داعش را چهره‌ای خیرخواه و احیاکننده دوران طلایی صدر اسلام بنمایاند که با توجه به اوضاع آشفته اکثر کشورهای اسلامی (که خود داعش یکی از مسببان اصلی آن است و ارائه استراتژی هرج و مرج زرقاوی، رهبر معنوی داعش، در همین شماره شاهی بر این امر است) و نحوه برخوردی که کشورهای غربی با مسلمانان ساکن در آن‌ها دارند (ذکر جزئیات در این مقاله نمی‌گنجد)، چهره‌ای به اصطلاح رحیم از خود به نمایش گذارد و اسطوره روشنگری به آینده باشد (سلطانی فر و هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۳) که همانا برای بسیاری از مسلمانان می‌تواند جذاب باشد؛ به خصوص معرفی خود به عنوان خلافت اسلامی برخوردار از خلیفه و سرزمین نوید احیای، هم اتحاد مجدد مسلمانان و هم زندگی در جایی است که مسلمانان در آن از آرامش و احترام برخوردار خواهند بود که بیانگر بهره‌جویی آن‌ها از فنون ایجاد حس افتخار به چنین خلافتی و ایجاد حس تعلق بدان است.

همچنین برای اثبات بیشتر این امر، به گزارش به اصطلاح آزادسازی شهرها و کشورها از دست به باور آنان طواغیت و حاکمان غیر اسلامی توسل می‌جویند؛ و آن را با حربه قداست بخشی به کار خود به عنوان جهاد فی سبیل الله و دعوت مسلمانان به این امر مقدس و نمایش قدرت نظامی و امنیتی و برای تأمین امنیت و ثبات سرزمین‌های به قول آنان اسلامی و ارائه خدمات متعدد و متنوع اجتماعی، اقتصادی و... انجام می‌دهند که

در این میان از اذعان صلیبی‌ها و دیگر دشمنان غربی، به قول آن‌ها، نیز استفاده می‌کنند که با توجه به مکتب ماتریالیستی حاکم بر جهان غرب، اغلب بیاناتشان حول قدرت مالی، نظامی، برخورداری از قلمرو مخصوص به خود و... است. بر این اساس، چهره‌ای بشیر و در واقع مشروع را به نمایش می‌گذارند و در مقابل، با ترسیم گروه‌های رقیب خود (فرق القاعده) و سایر گروه‌های جهادی و اسلامی (که صحوه، سنی‌های مخالف داعش، مهم‌ترین آن‌هاست) و با گذاشتن این توصیفات در داخل گیومه در زمان به کار بردن آن‌ها برای این گروه‌ها، هم تعجب خود را از استفاده این گروه‌ها از این عناوین بیان می‌دارند و هم به‌نوعی ایشان را مسخره می‌کنند و با نام بردن از آن‌ها به‌عنوان کسانی که از طواغیت و... حمایت‌های مالی، سیاسی و... دریافت می‌کنند، پروژه دیگری‌سازی را کلید می‌زنند و بر منهای اتکای آن‌ها بر غیر خدا اشاره می‌کنند که همانا بر غیر مشروع بودنشان دلالت دارد. الگوی شماره نخست را کم یا زیاد در هر شماره می‌توان مشاهده کرد. روح حاکم در شماره اول بیشتر بر پایه بشارت، نوید، امید و اطمینان‌بخشی است که بر ویژگی {بشیراً} رسولان الهی دلالت دارد.



بشیراً (منهای نبوی داعش)
اتکا به غیر خدا (منهای غیرنبوی غیر داعش)

شماره دوم مجله دابق

این شماره گرچه با بیان عاقبت خوش و خشنودی خداوند برای شتاب‌کنندگان در امر هجرت آغاز می‌شود، عمدتاً به آثار و پیامدهای بد انحراف و مخالفت

با حقیقت می‌پردازد که تصویر توفان نوح روی جلد گواه این امر است. لحن تهدید آن مشهود است و نجات‌یافتگان از تهدیدات را اندک‌شمار می‌داند که همان سوارشدگان بر کشتی نوح هستند که به حق فرامی‌خوانند که همانا سخن حق، فقط از جانب خداوند است. از دعوت علنی سخن می‌گوید که دو مزیت وفاداری مسلمانان به یکدیگر و مجموعه خود و پُر کردن قلوب کفار از الم دردناک را در پی دارد که سرانجام سختی این کار، نوشتن عمل صالح در نامه اعمال است. دولت اسلامی، خلافت همه مسلمانان است و از این رو، بیعت با آن واجب است. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده همچون محکومیت و تسلیت در زمان کشتارهای زنان و کودکان و حق انتخاب آزاد بین حق و باطل را مطرح می‌سازد و اصطلاحات جدید تروریسم فکری یا عقلی و انغماسی را معرفی می‌کند.

مباهله را برای روشن‌سازی کذب و مشروعیت‌زدایی از غیر خود به کار می‌برد. جنگ را حیات‌بخش می‌داند. تلفیق دوران طلایی تاریخ اسلام و دوران آخرالزمانی (در حدیث پایانی) را در گفته‌های آن می‌توان یافت که به فتوحات و غلبه مسلمانان و ... اشاره دارد. از پیروزی‌های پیاپی خود، آزادسازی‌ها و بیعت شمار زیاد مسلمانان سخن می‌گوید. جریان شکل‌گیری کفر با مرور تاریخ را ارائه می‌کند: (۱) عشق مرد به رهبری، مال و نظر شخصی؛ (۲) غرور؛ (۳) حسادت؛ (۴) تکبر؛ (۵) کینه؛ (۶) دشمنی؛ (۷) نقض و انکار رقیب که با پنهان‌سازی توحید، نمایش ابهام منحرف، دوری و اجتناب از موحدان و سازش و مصالحه با مشرکان آغاز می‌شود؛ (۸) کفر آشکار و جنگ که شہوات را به دنبال دارد و دودستی به تردیدها می‌چسبد. احسان و خیرخواهی را در دستور کار دارد. پس این‌طور می‌توان گفت که داعش، به نقش هیستوریک ارتباط‌دهنده دوران طلایی گذشته و دوران آخرالزمان پی برده است.

تأکید شماره دوم بر منہاج انذار است که آن را نیز گواه نیت خیر خود می‌داند که به دنبال هشدار دادن به مردم درباره عواقب ناخوشایند پیروی از منہاج نادرست (یعنی منہاج غیر داعشی) است. برای این منظور، به داستان

قرآنی مسخره کردن نوح در زمان ساخت کشتی توسط مردمانی استناد می‌کند که با پیروی نکردن از رسول الهی به عاقبت بدی گرفتار شدند و آن را با اعمال صحوه امروز (دیگری) پیوند می‌زنند که با زبان تندى که علیه اهل دین (داعش) به کار بردند و دست در دست طواغیت گذاشتند، مردم را از راه خدا بازداشتند. دابق با دست‌مایه قرار دادن انذار نوح خط بطلانی بر واژه هژمون‌شده «حق انتخاب آزاد» می‌کشد (که نشانگر عدم تسامح آن با اصطلاحات مدرن است) و اینکه فقط باید از فرمان رسول الهی پیروی کرد و گزینه دیگری وجود ندارد. به نکته ظریفی نیز اشاره دارد و آن اینکه کشتی با توجه به گنجایشش، تعدادی را می‌تواند نجات دهد که گواه اقلیت نجات‌یابندگان (گرویدگان به داعش) است. نگاه تلفیقی دوران طلایی صدر اسلام و دوران آخرالزمان را این بار با اشاره به فتوحات و غلبه مسلمانان در هر دو دوره عرضه می‌دارد. روح حاکم در شماره دوم بیشتر بر پایه انذار، تهدید و بیم دادن است که بر ویژگی {نذیراً} رسولان الهی دلالت دارد.



نذیراً (منهاج نبوی داعش)
مسخره کردن رسولان (منهاج غیر نبوی غیر داعش)

شماره سوم مجله دابق

تکرار حدیث دابق اشاره شده در شماره اول بیانگر تداوم نگاه آخرالزمانی داعش است؛ و تکرار آیه ۳۴ سوره انفال که به حیات‌بخش بودن جنگ می‌پردازد و همچنین این گفته عدنانی که زندگی بدون جهاد وجود ندارد (که در شماره دوم اشاره شد) و این حدیث پیامبر (ص) که روزی من در سایه نیزه من است،

تداوم تأکید بر جنگ و جهاد است. به غریبی اسلام و مسلمانان اشاره دارد که غریبه‌هایی هستند که هجرت کرده‌اند؛ و واژهٔ جدید «نُزاع» را به کار می‌برد که همانا غریبه‌هایی هستند که خانواده و قبایل خود را ترک گفته‌اند و در شام، سرزمین ملاحم، گرد آمده‌اند که پیروی از ملت ابراهیم است و اینان بهترین مردمان زمین هستند. خود را تنها دولت در تاریخ می‌داند که به‌واسطهٔ غریبه‌های مهاجر فقیر تشکیل شده که همانا به بزرگ‌ترین مجموعهٔ مهاجران جهان بدل گشته است؛ واقعیتی که هیچ کس نمی‌تواند نادیده گیرد.

آشنایی زدایی با واژه‌های هژمون‌شده، پیرو شماره‌های اول و دوم، در این شماره نیز دیده می‌شود که این بار شامل مرز، صندوق رأی و استخدام، ساعات کار و حقوق است. همچون شمارهٔ دوم، به آثار و پیامدهای خوش هجرت و بد ترک هجرت می‌پردازد و موضوع نفاق را مطرح می‌کند که وعدهٔ حفظ‌نشدهٔ هجرت به‌سوی خداست؛ همانا ترک جهاد یک خصیصهٔ نفاق است و عاقبت نبودکننده‌ای را دربرخواهد داشت. اسلام را کل‌نگر معرفی می‌کند و برنامهٔ ابتکاری خویش را که همه‌جانبه است و به همه‌چیز از جمله نیازهای دینی و اجتماعی توجه دارد، منسوب به این خصیصهٔ اسلام می‌سازد. وجود دو اردوگاه حق و باطل را مجدداً بیان می‌دارد. بر برخورد جمعی همچون پیامبر و ابوبکر صدیق با مقاومت‌کنندگان در برابر شریعت تأکید دارد. طبق رویهٔ شماره‌های پیشین، به بیان بیعت‌های جدید و توبه‌های گروهی، عملیات‌های پیروزمندانه، فتوحات و آزادسازی‌ها و... می‌پردازد. برای نخستین بار، یک شهید را معرفی می‌کند که هجرت را گام نخست به‌سوی جهاد فی سبیل الله می‌داند که شهادت فی سبیل الله را دربرخواهد داشت. و در این سه شماره، پیوسته بر واجب عینی بودن جهاد در حال حاضر اشاره دارد.

دابق در شمارهٔ سوم بنا را بر موعظه می‌گذارد که آن را ترکیبی از دو شمارهٔ قبل می‌توان دانست. در این شماره، ضمن یادآوری و تکرار هر دو منهای بشارت و انذار، جریان ملایمی را پیش می‌گیرد و روند تغییر موضوع را تا حدی ساکن نگه می‌دارد تا هم هضم موضوعات بیان‌شده آسان‌گردد و هم استراحتی برای

حرکت سریع در شماره بعدی باشد؛ نکته‌ای تبلیغی که به حفظ ارتباط با مخاطب کمک شایانی می‌کند. روح حاکم در شماره سوم بیشتر بر پایه موعظه، تذکار و بر حذر داشتن است که بر ویژگی {موعظه} رسولان الهی دلالت دارد.



موعظه (منهاج نبوی داعش)
عدم پذیرش موعظه (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره چهارم مجله دابق

حدیث دابق که در شماره‌های اول و سوم نیز بیان شد، در این شماره هم تکرار می‌شود. حدیث دیگری هم با مضمون مشابه در صفحه آخر به کار می‌رود که بیانگر جنگ مسلمانان با مسیحیان روم است و اینکه روم در زبان پیامبر، به مسیحیان اروپا و مستعمرات آن‌ها در شام پیش از فتح شام به دست صحابه اشاره دارد که تداوم نگاه آخرالزمانی داعش را نشانگر است. حدیث حسن ظن مطرح شده در شماره دوم نیز در این شماره تکرار می‌شود و گمراهان و کافران را به استناد آیات، مایوس از رحمت خدا می‌داند که این نگرش آنان بین کفر و انحراف قرار می‌گیرد، اما دولت اسلامی به حمایت خداوند اعتقاد راسخ دارد و اینکه هیچ مسلمان مخلصی نباید در تاریکی تردید درباره وعده حمایت او از مسلمانان باقی بماند. با توجه به درست از آب درآمدن پیش‌بینی ابن تیمیه در خصوص پیروزی مسلمانان بنا بر وعده خداوند بر تاتارها، از شنیدن اعتقاد و قاطعیت رهبری مجاهدان در مورد وعده خدا نباید حیرت کرد. همچنین بار دیگر به عصر جدید اشاره دارد که تمدن شرک و کفر، ربا، فحشا، حقارت و فرمان‌برداری را با نابودی تهدید می‌کند. این شماره از مجله دابق بر باقی ماندن و گسترش دولت اسلامی تأکید

دارد. دو توصیه اخلاقی ظلم نکردن و در برابر ظلم سکوت نکردن و مغرور و متکبر نشدن را برای تضمین پیروزی دائمی و تمکین بیان می‌دارد. بیان مجدد حدیث پیامبر: «روزی من در سایه نيزه من است» را داریم که غنیمت جنگی به‌عنوان خالص‌ترین شکل غنیمت مطرح می‌گردد. احیای برده‌داری یکی از نشانه‌های قیامت و از علل الملحمة الکبری معرفی می‌شود. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده همچنان ادامه دارد که شامل مرز ملی‌گرا، دموکراسی، رأی، نظرسنجی و مالیات است. دولت اسلامی را راست‌گو معرفی می‌کند که افراد خود را صادق‌ترین افراد برگزیده و صادق‌ترین مردمان در گفتار می‌شناسد که بی‌تردید پرچم خود را به مهدی خواهند داد؛ و اینکه این دولت، دولت هجرت و جهاد است، دروغ یا رؤیای کاذب نیست. فهرستی از خدمات آن اعم از پل‌سازی، برق‌رسانی و... را ارائه می‌کند. از بیعت دیگران، به‌ویژه انصارالاسلام، می‌گوید و این امر را نشانه اخلاص آن‌ها در نظر می‌گیرد.

همچون روال گذشته، به بیان آزادسازی‌ها و فتوحات می‌پردازد. زندگی باوجود جنگ شدید ادامه دارد و اینکه بخشی از سربازان مخلص خدا مراقب و مواظب امور دینی و دنیوی مسلمانان هستند. به دنبال قداست بخشی به شام و بیان اهمیت آن در آخرالزمان، اینک به بیان اهمیت عراق می‌پردازد که توجیهی برای هجرت است. دیگری‌سازی همچنان در دستور کار قرار دارد. سنجیه اخلاقی اخلاص در عمل در شماره چهارم توصیه می‌شود که بیان می‌کند منطقه سومی وجود ندارد و جهان به دو اردوگاه افراد باایمان و کافر تقسیم شده است که گویای مطلق‌انگاری داعش است و حربه تبلیغاتی دشمن کردن همه؛ و قرار دادن همه به اصطلاح کفار را در مقابل خودگواه اخلاص خویش می‌گیرد. از همین رو، با استفاده از همین سنجیه و بهره‌جستن از مباحث نظری و فقهی، نقطه مقابل خصلت اخلاص یعنی نفاق را بر سایر گروه‌ها برچسب می‌زند. سیر صعودی بخش اثبات حقانیت را از این شماره شاهد هستیم که همانا افزوده شدن مقاله‌ای به قلم جان کانتلی، خبرنگار اسیر روزنامه ایندپندنت، است که بزرگ‌نمایی داعش بر اساس موضوعات مختلف خصیصه بارز مقالات اوست.

روح حاکم در شماره چهارم بیشتر بر پایه اخلاص در عمل و دوری از نفاق است که بر ویژگی {مخلصاً له الدین} رسولان الهی دلالت دارد.



مخلصاً له الدین (منهاج نبوی داعش)
نفاق (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره پنجم مجله دابق

تسلط دین اسلام بر کل عالم را باوجود مخالفت غیر (کفار، مشرکان و...) بیان می‌دارد که وعده خداوند است که دین حقیقی‌اش تجلی و ظهور یابد و همانا کرامت اسلام و تحقیر کفر را دربردارد. به بیان مصاف همیشگی خیر و شر می‌پردازد که حسنین یعنی پیروزی یا شهادت را که خود پیروزی دگر است، برای جبهه خیر به ارمغان می‌آورد؛ و از جمله شهیدان این راه، یحیی (ع) را ذکر می‌کند. بر صبر بر دشواری‌ها تأکید دارد که آنان که صبر کردند، حاصل تلاش خود را به نفع نسل‌های آینده مسلمانان به دست آوردند. بیعت مناطق مختلف را بیان می‌دارد و به بیعت کنندگانی اشاره دارد که حال، خود به دعوت کنندگان به بیعت بدل گشته‌اند. توجه به مسائل اقتصادی را در دستور کار قرار می‌دهد و اعلام می‌دارد که دولت اسلامی با ضرب سکه‌های طلا، نقره و مس همچون دوران طلایی گذشته، مسلمانان را از نظام فاسد مالی جهانی مبتنی بر ربا نجات می‌دهد. به اجرای احکام می‌پردازد. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده همچون مرز ملی‌گرا را پی می‌گیرد. غریب بودن اسلام و تشکیل ارتش در شام، عراق و یمن در آخرالزمان در این شماره تکرار می‌گردد. این شماره همچون شماره‌های گذشته با حدیث آخرالزمانی

خاتمه پیدا می‌کند که به ظهور منجی عدالت گستر اشاره دارد و تداوم نگاه آخرالزمانی داعش را نشانگر است.

شماره پنجم را به‌نوعی ادامه شماره چهار می‌توان در نظر گرفت که به ذکر موارد تقریباً مشابه می‌پردازد و بیان می‌دارد که مسلمان مخلص نباید در مورد وعده حمایت خداوند تردید داشته باشد که بیانگر حمایت قطعی خداوند از داعش است که دست‌مایگی فنون قاطعیت در بیان و اطمینان‌بخشی به عاقبت کار خویش را نمایانگر است؛ و توصیه اخلاقی صبر را چاشنی آن می‌سازد که تحقق وعده الهی در سایه آن ممکن خواهد شد که گواه حسن ظن داعش به خداست و بر این اساس می‌تواند انگ سوءظن به خداوند را بر دیگری بچسباند. روح حاکم در شماره پنجم بیشتر بر پایه حسن ظن و اعتماد به تحقق وعده خداوند در سایه صبر و باوجود مخالفت غیر (مشرکان، کافران ...) است که بر ویژگی {حسن ظن بالله} رسولان الهی دلالت دارد.



حسن ظن بالله (منهاج نبوی داعش)
سوء ظن بالله (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره ششم مجله دابق

ابتدا به اقدام گرگ‌های تک‌نفره‌ای می‌پردازد که در پاسخ به دستور مطابق با قرآن دولت اسلامی دال بر پیکار برای برچیدن فتنه در سرزمین‌های خود که سرزمین کفر است، انجام می‌دهند که یکی از ایشان خود را رافضی می‌داند که بعد مسلمان گشت و بیعت خود با خلیفه را بیعت با خدا و رسول اعلام کرد. به این ترتیب، پروژه

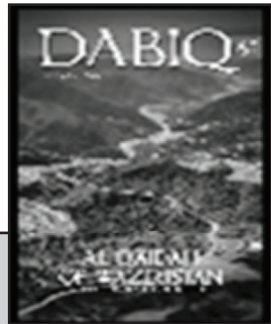
جدی دیگری‌سازی، به‌خصوص روافض، از اینجا کلید می‌خورد که روافض ذلیلانی هستند که بعدها مسلمان شدند. این موضوع، تفاوت نگاه داعش را نمایانگر است که هر کس با آن بجنگد، کافر محسوب می‌گردد. از دیگر موارد این دیگری‌سازی به سازمان القاعده پیش از ۱۱ سپتامبر و بعد از فوت بن‌لادن می‌توان اشاره کرد که آن را سیاسی کار می‌داند که هر زمان اقتضا کند، رنگ عوض می‌کند و در مجموع، عمل آن را تکفیر عقیدتی-سیاسی می‌توان در نظر گرفت. توصیه‌های ابوحمزه المهاجر برای سربازان دولت اسلامی را بیان می‌دارد که تمامی امور و واجبات دینی، اخلاقی و نظامی را شامل می‌شود. اصطلاح جدید «رباط» را به کار می‌برد که همانا شکستن مرزها و داشتن نگاه توسعه‌ای است. گزارشی نیز از بیعت‌ها می‌دهد.

نگاه جهانی آن درباره حرکت ضرب سکه نمایان است. عالم مجاهد را تعریف می‌کند که به صدر اسلام اشاره دارد و ترکیب جذابی است. نگاه ویژه‌ای نیز به یمن دارد و حکمت را یمنی می‌داند که در ایجاز سخن بیعت‌کنندگان نشان نهفته است و از تحزب به دورند. به جنگ‌های رده ابوبکر صدیق اشاره دارد که حکم حزبی یا جمعی شامل آن‌هایی است که با قوانین اسلام مخالفت می‌کنند و دولت اسلامی پیش‌تر آن را در مورد قبیله شعیبات اجرا کرده است که در شماره‌های قبل بدان اشاره شد. اشاره آخرالزمانی به عاقبت مخالفت با خلافت بر اساس سیره نبوی دارد که به زباله‌دان تاریخ منتهی خواهد شد؛ و با حدیث آخرالزمانی با این مضمون خاتمه پیدا می‌کند که پیش از دجال، صدیق تکذیب می‌گردد. مفهوم جدید از تروریسم ارائه می‌کند که همانا ارباب دشمنان خدا بر پایه آیه ۶۰ سوره انفال است و اینکه مسلمانان از هر لحاظ باید آماده و مجهز باشند و دولت اسلامی نیز این‌گونه عمل می‌کند. خود را از تمامی گروه‌ها و فرقه‌های دیگر جدا و متمایز می‌سازد که مخلصان، راست‌گویان و مؤمنانی هستند که از ریاکاران، دروغ‌گویان و منافقان جدا گشته‌اند.

از علمای گمراه‌کننده و رسانه‌های افسونگر بر حذر می‌دارد. حملات موفق و اعدام مرتدان و جاسوسان را بیان می‌دارد که یکی از آن‌ها دستگیری خفت‌بار خلبان اردنی و اعدام وی است. مقاله القاعده وزیرستان اوج‌ریر

الشمالی در این شماره درج شده است که جریان‌شناسی رفتن به جاهای مختلف است و اینکه مجاهد یا جایی می‌ماند که حکم الهی در آن جاری است یا باید به جایی برای جهاد برود. شمشیر رسول خدا را رحمت برای عالمیان می‌داند و به القاعده پس از ۱۱ سپتامبر تا فوت بن‌لادن مشروعیت می‌دهد. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده همچون مرزهای ملی‌گرا، دموکراسی، حمایت مردمی و صلح‌طلبی را مطرح می‌کند.

دابق، حال پس از پنج شماره، در شماره ششم، موقعیت را برای تفکیک و جداسازی بیشتر خود از سایر گروه‌ها مناسب می‌بیند. از این رو با توجه به خصایص و خصلت‌های برشمرده برای خود و دیگری، خود بشیر نذیر موعظه‌گر مخلص دارای حسن ظن به خدا و در مجموع طیب را از دیگری متکی بر غیر خدای مسخره‌کننده رسولان الهی، مقاومت‌کننده در برابر موعظه، منافق دارای سوءظن به خدا و در مجموع خبیث کاملاً جدا می‌سازد که مرز آن با سایر گروه‌ها را پُررنگ‌تر می‌کند. سیر صعودی بخش اثبات حقانیت در این ایستگاه شاهد افزوده شدن بخش مصاحبه است که به اذعان خلبان اسیر اردنی اختصاص دارد. روح حاکم در شماره ششم بیشتر بر پایه سنت الهی تفکیک پاکان از ناپاکان (مخلصان از ریاکاران، راست‌گویان از دروغ‌گویان و مؤمنان از منافقان) است که بر ویژگی { **یَمِيزُ الْخَبِيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ** } پیامبران به واسطه علم غیب دلالت دارد و دلیل لزوم ایمان به آن‌هاست که موجب قرار گرفتن در زمره پاکان می‌شود؛ و خواسته مؤمنان این است که ناپاکان را تشخیص دهند.



يَمِيزُ الْخَبِيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ (منهاج نبوی داعش)
خبثت (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره هفتم مجله دابق

این شماره را شماره اولین‌هایی باید دانست که در شماره‌های قبلی شاهد آن‌ها نبوده‌ایم. انتقام از ستمگران و اقدامات تلافی‌جویانه در قبال آن‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد که از جمله زنده سوزاندن خلبان اردنی است که آن را احیای سنت صحابه و توجیهی برای این عمل می‌داند. همچنین به کشتن ۲۱ قبطی به تلافی اذیت و آزار خواهران عقیفه مسلمان اشاره می‌کند که اولین مورد دفاع از زنان است. اشارات متعددی به شمشیر دارد که طبق آیه ۵۴ سوره مائده خدا آن را علیه مرتدان وحی نمود و این آیه اساس وجوب جنگ با آن‌هاست و کافران با آن گردن زده می‌شوند و رستگاری از شر و فتنه است که شرک، بزرگ‌ترین فتنه است. تکرار حدیث «روزی من در سایه نیزه من است»، گواه مشروعیت جهاد در سایه شمشیر است. اولین بحث زبان‌شناسی را نیز در این شماره داریم که به ریشه زبان‌شناختی اسلام می‌پردازد که همانا تسلیم و اخلاص است. ضرورت پیوستن به جماعت مسلمانان و امام ایشان نیز باز تأکید می‌گردد.

کارزار با مسخره‌کنندگان خدا و رسول و کشتن آن‌ها از دیدگاه قرآن و حدیث بیان می‌شود. توصیه‌های اغلب دینی و اخلاقی را برای سربازان در شماره قبل داشتیم؛ اما این بار در این شماره، توصیه‌های پراگماتیسمی و عملیاتی را برای رهبران داریم. بخش جدید «از صفحات تاریخ» از این شماره کلید می‌خورد که سند تاریخی جنگ رده ابوبکر با مرتدان را ارائه می‌کند که تکفیر را سیره نبوی بیان می‌دارد. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده را در این شماره همچون همه شماره‌های قبلی داریم که صلح‌طلبی، دموکراسی، حکومت ملی‌گرا، آزادی بیان و عقل سلیم را دربرمی‌گیرد و آشنایی‌سازی با مفهوم جدید تروریسم است. بردن رقبا (فرق القاعده) به خانه دیگری به‌خصوص الظواهری، دیگری‌سازی صحوه و روافض برای تصاحب سرمایه اجتماعی ایشان که توبه مبارزان آن‌ها را در پی داشت و اسطوره‌سازی از رهبر سابق القاعده، بن لادن، از دیگر بخش‌های این شماره هستند. یک مورد مصاحبه را در شماره قبلی داشتیم؛ اما مصاحبه‌های این شماره متعددی که مصاحبه با همسر یک مجاهد، نمونه جالبی است که

اتوپیایی از سرزمین خلافت و قدرت رسانه‌ای آن ترسیم می‌کند.

به بیعت گروه‌های مختلف اشاره دارد. داستان‌سرایی نیز از این شماره آغاز می‌شود. اذعان دشمنان و جان‌کانتلی به قدرت دولت اسلامی همچنان ادامه دارد. معرفی اسوه حسنه را نیز از این شماره شاهد هستیم. این شماره با حدیثی آخرالزمانی، طبق روال معمول، خاتمه پیدا می‌کند که به فتوحات و دجال اشاره دارد.

و اما از شماره هفت شاهد حضور اولین‌هایی هستیم که سیر صعودی بخش اثبات الگوی درون‌مجله‌ای را شتاب فزاینده‌ای می‌بخشند. همچنین مباحث رنگ‌وبوی علمی‌تری به خود می‌گیرند که نخستین بحث زبان‌شناختی از جمله این موارد است. این بخش به ریشه‌ی زبان‌شناختی واژه اسلام می‌پردازد و آن را برخلاف هژمون موجود که بیانگر معنای صلح و سلام آن است، تسلیم شدن بی‌چون‌وچرا در برابر خداوند می‌داند. پیرو اشارات پراکنده تاریخی در شماره‌های پیشین، این شماره سندی تاریخی را رو می‌کند که تکفیر را سیره نبوی بر اساس جنگ رده ابوبکر بیان می‌دارد تا هم گواه اهمیت تاریخ برای الگوی تبلیغی دابق برای جذب مخاطب باشد و هم بر مشروعیت عمل تکفیر و کشتار کفار توسط داعش صحه گذارد. مصاحبه‌های متعددی را در این شماره مشاهده می‌کنیم که مصاحبه با همسر یک مجاهد، نمونه جالبی است که هم آرمان‌شهری را از سرزمین خلافت توصیف می‌کند و هم به قدرت رسانه‌ای آن اذعان دارد.

در ضمن، با نوعی داستان‌سرایی مواجه هستیم که به بیان زندگی مجاهدان قبل و بعد از بیعت، هجرت، جهاد و شهادت ایشان اشاره دارد و با بیان سجایای اخلاقی آن‌ها و اشتیاقشان برای جهاد و شهادت، هم بر بار احساسی و عاطفی دابق می‌افزاید و هم گونه‌ای از مشروعیت‌بخشی به داعش را رقم می‌زند. معرفی اسوه حسنه را در کل مجلات موردبررسی فقط در شماره هفتم داریم که آن را قلب این ۱۴ شماره می‌توان برشمرد. نگاه آخرالزمانی دجالی از این شماره آغاز می‌گردد و سیر معرفی دجال در ادامه بیان خواهد شد که اشاره آن به فتح قسطنطنیه پیش از ظهور دجال است و افکار عمومی را این‌طور به چالش می‌کشد که اولاً از واژه سابق روم استفاده می‌کند که عدم تسامح آن با واژه جدید را نشانگر است و ثانیاً بیان می‌کند که هنوز فتح نشده است و

باید به دست مسلمانان فتح شود؛ و به این ترتیب بر جنگ آخرالزمانی خویش صحه می‌گذارد. روح حاکم بر شماره هفتم بیشتر بر پایه تسلیم بودن در برابر حق است که بر ویژگی {یسلموا تسلیما} رسولان الهی دلالت دارد.



یسلموا تسلیما (منهاج نبوی داعش)
عدم تسلیم و صلح طلبی (منهاج غیر نبوی غیر داعش)

شماره هشتم مجله دابق

شماره هشتم را تا اندازه‌ای تکرار شماره اول می‌توان دانست که نوید و بشارت خلافت و عصر جدید را برای همه مسلمانان در هر جا بازگو می‌کند که همانا یادآور دوران طلایی عزت و اقتدار مسلمانان است. این شماره کار خود را با هشدار در مورد عدم دوستی با دشمنان خدا حتی از میان خانواده و خویشان آغاز می‌کند و از همان ابتدا به جهاد علیه ملی‌گرایی و مظاهر آن می‌پردازد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مرز سایکس-پیکو است؛ و این ملی‌گرایی را حاصل عصبیت و جاهلیت می‌داند و اینکه همچون ابوبکر در جنگ‌های رده باید نسبت به جاهلیت مردم خشن و بی‌رحم بود. شاهد لازم و ملزوم هجرت و جهاد و قرآن و شمشیر نیز هستیم. جریان‌شناسی مبتنی بر بحث نظری از ارجا تا تکفیر رقبا و مدعیان جهاد، از مباحث مهم و طولانی این شماره است. اشارات آخرالزمانی حاکی از ارض المبارکه و ارض الملاحم بودن شام نیز در اینجا تکرار می‌گردد. بیعت‌های مجاهدان مختلف و حملات را نیز گزارش می‌کند.

بردن رقیب به خانه دیگری را همچون همیشه پی می‌گیرد که این بار با نسبت دادن جهل صورت می‌گیرد. ضرورت تربیت نسل فردا در این شماره

مطرح می‌شود که بر آینده‌نگری آن دلالت دارد. به معرفی سرزمین‌های دیگر ایدئال برای هجرت از جمله لیبی می‌پردازد. سازمان‌دهی امور اداری و نظامی با اعلام ولایات جدید را در این شماره داریم. اولین مقاله به قلم یک خانم را در این شماره شاهد هستیم که از عواطف و امور زنانه همچون بارداری برای دعوت خود بهره می‌گیرد؛ تا آغازی بر سناریوی بهره‌گیری از زنان به‌خصوص عواطف ایشان و امور زنانه برای دعوت داعش باشد. اذعان دشمنان، این بار به کشور بودن دولت اسلامی به سبب ویژگی‌هایی است که در آن مشاهده می‌شود. همچون همیشه با حدیث آخرالزمانی خاتمه پیدا می‌کند؛ حدیثی که به فتوحات و مصائب پس از بازگشت خلافت به شام اشاره دارد.

دابق به دنبال بحث علمی در شماره هفت، این کار را در شماره هشت با بحث نظری پیرامون عصبیت و جاهلیت در نظر گرفتن ملی‌گرایی ادامه می‌دهد که خود ادامه روال آشنایی‌زایی با واژه‌های هژمون‌شده امروزی است و با استناد به جنگ‌های رده ابوبکر بر خشن و بی‌رحم بودن در قبال جاهلیت مردم تأکید دارد. شماره هشت تا اندازه‌ای تکرار شماره نخست است که نوید و بشارت خلافت و عصر جدید برای همه مسلمانان را بازگو می‌کند تا هوشمندانه امر اشاره به دوران طلایی صدر اسلام را مجدداً پیش کشد و خود را احیاگر آن معرفی نماید. روح حاکم در شماره هشتم بیشتر بر پایه خشونت و بی‌رحمی در برابر جاهلیت و عصبیت است که بر ویژگی {اشدء علی الکفار} رسولان الهی دلالت دارد.



اشدء علی الکفار (منهاج نبوی داعش)
جاهلیت و عصبیت (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره نهم مجله دابق

این شماره به معرفی نوع جدیدی از صلیبی‌ها می‌پردازد که با مسخره کردن پیامبر به بهانه آزادی بیان، کینه خود را آشکارتر و مسلمانان را خشمگین‌تر می‌سازند. به استناد آیات قرآن، باوجود پهنآوری زمین خدا، بهانه‌ای برای انجام دادن واجب هجرت و جهاد باقی نمی‌ماند. مفهوم رباط، ریشه زبان‌شناختی، معانی مختلف و کاربردهای آن ارائه می‌گردد که همانا مهم‌ترین معنی آن مهیا و مراقب دشمن بودن است که مسلمانان را بدان توصیه می‌کند. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هرژمون‌شده همچون آزادی بیان، حقوق مدنی، دولت مدنی و حق تعیین سرنوشت همچون رسم معمول ادامه دارد. توطئه و مکر کفار بر اساس نظریه توطئه شرک مورد بحث قرار می‌گیرد. قدرت، عزت، مکر و فرمانروایی را از آن خدا می‌داند که خدا، پیامبر را به صبر در برابر مکر توصیه کرد. بیان مکر احادیث آخرالزمانی با محوریت شام، ارض الملاحم، مشاهده می‌گردد. به احیای صبی (برده گرفتن در طول جنگ) توجه دارد و آن را سنت عالی نبوی می‌داند؛ و بر لزوم مهربانی با بردگان بر اساس روایات تأکید دارد. حدیث پُر تکرار «روزی من در سایه نيزه من است» نیز در این شماره تکرار می‌گردد. اسلام، طبق روال، دین جنگ معرفی می‌شود که سخن از این است که پیامبر با شمشیر به عنوان رحمة للعالمین فرستاده شد. دیگری‌سازی از به‌خصوص رقیب در این شماره نیز در دستور کار قرار دارد. خدمات گسترده درمانی و آموزش پزشکی توسط دولت اسلامی بیان می‌گردد. عملیات‌ها و پیروزی‌ها نیز گزارش می‌شوند.

شماره نُه با زدن برجسب مکر بر دیگری با استفاده از نظریه توطئه شرک، خواهان امر مرابطه است و با بیان ریشه زبان‌شناختی، معانی مختلف و کاربردهای آن، مهم‌ترین معنی آن را که مهیا و مراقب کار دشمن بودن است، توصیه و چهره خیرخواه خویش را تکمیل می‌کند؛ و چاشنی مشروعیت‌بخشی به آن استناد به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است. این شماره با بیان مکر احادیث آخرالزمانی با محوریت شام، ارض الملاحم، هم به این سرزمین برای هجرت و تشکیل خلافت اسلامی و هم به نبرد نهایی با صلیبی‌ها به باور ایشان جهاد، قداست می‌بخشد. از جمله موارد اثبات حقانیت در این شماره، به بیان خدمات گسترده درمانی و آموزش

پزشکی می‌توان اشاره کرد. احیای صبی (برده گرفتن در طول جنگ) برای عده‌ای می‌تواند جذاب باشد. روح حاکم در شماره نهم بیشتر بر پایه مهیا و مراقب مکر دشمن بودن است که بر ویژگی {مربطه} رسولان الهی دلالت دارد.



مربطه (منهاج نبوی داعش)
مکر (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره دهم مجله دابق

حملات گرگ‌های تک‌نفره در مناطق مختلف جهان در پاسخ به ندای دولت اسلامی در ابتدای این شماره بیان می‌گردد که به نوعی اولویت، از هجرت به جهاد در جایی که هستیم، در حال تغییر است. تکفیر دروزی و نصیری را نیز به سبب ارتدادشان داریم. نافرمانی از والدین در زمان واجب عینی بودن جهاد مطرح می‌گردد که ترک این واجب، گناه کبیره محسوب می‌شود. شام همچنان ارض المبارکه است و دسته‌های موجود در آن که قانون خدا را با قوانین بشر جایگزین می‌سازند، کافر به شمار می‌آیند. استناد به جنگ‌های رده دست‌مایه‌ای برای توجیه ارتداد صحوات امروزی قرار می‌گیرد. آشنایی‌زادایی با واژه‌های هژمون‌شده همچون دموکراسی و... به کار خود در این شماره نیز ادامه می‌دهد. اشاره آخرالزمانی وجود ائمه کذاب و حزب برحق برای قبولانندن خود به عنوان حزب برحق در آخرالزمان مشاهده می‌گردد. گزارش بیعت‌ها را این بار از خراسان و قفقاز داریم. نظریه امامت عامه مطرح می‌گردد که طبق آن فقط خلیفه دولت اسلامی برای این مقام مشروعیت پیدا می‌کند. استقبال بیشتر از جهاد و هجرت در ماه مبارک

رمضان مطرح می‌شود که بیان می‌دارد فرصت رمضان را از دست ندهید. اصل اسلامی حرام بودن زندگی با شوهر مرتد نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به اجرای حدود و احکام نیز پرداخته می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، از شماره ۴۰، از همان ابتدا شاهد اشاره به حملات گرگ‌های تک‌نفره در مناطق مختلف جهان در پاسخ به ندای داعش هستیم که به‌نوعی نمایانگر تغییر اولویت از دعوت به هجرت و شرکت در جهاد به انجام دادن حملات و عملیات‌ها در جایی است که به سر می‌بریم که با وجود آنکه از تضعیف قدرت داعش و از دست دادن سرزمین حکایت دارد، با این کار نیروهای خود در خارج از کشور را حفظ می‌کند یا افزایش می‌دهد تا اهداف خود را به طریقی پیش برد، با این امید که شاید روزی دوباره قدرت و تسلط بیشتری بیابد که این امر، خود به لحاظ روانی برای تقویت روحیه نیروهای داخلی حائز اهمیت است و نوعی آینده‌نگری را تداعی می‌کند. این بار نیز با ارجاع به جنگ‌های رده ابوبکر، صحوه را مخالف اقامه شریعت خدا معرفی می‌کند و خویشتن را تنها برپاکننده شریعت الهی می‌نمایاند تا به جنگ با آن‌ها بپردازد. داعش در این شماره با تمسک به حدیثی آخرالزمانی، خود را تنها حزب برحق در آخرالزمان می‌قبولاند. نظریه امامت مطرح‌شده نیز تنها خلیفه دولت اسلامی را برای این مقام مشروع می‌داند. روح حاکم در شماره ۴۰م بیشتر بر پایه اجرای شریعت «فقط خدا» است که بر ویژگی {اقام شریعة الله} رسولان الهی دلالت دارد.

شماره یازدهم مجله دابق

این شماره با دیگری‌سازی از رافضه و طالبان آغاز می‌گردد و بیعت شاخه‌های مختلف القاعده با خلیفه را ادعایی بیش نمی‌داند که ادامه سناریوی دیگری‌سازی از فرق القاعده و همچنین سایر گروه‌ها و دسته‌های موجود در عراق و به‌ویژه شام است. دروغ بی‌پایان علمای حزبی به کل امت به خاطر تحزبشان مطرح می‌گردد. پیوستن مبارزان صدیق بیشتر و بیعت

آن‌ها با خلافت‌گزارش می‌شود. گزیده‌ی عملیات‌ها ارائه می‌گردد. صبر و پشتکار در نبردها همچون نبردهای صدر اسلام توصیه می‌شود که تمکین و گسترش در مقابله با جنگ بین‌المللی با اسلام را در پی خواهد داشت. به اذعان دشمنان به عجز در برابر دولت اسلامی اشاره می‌شود. به اجرای احکام می‌پردازد. از بین بردن آثار شرک به نمایش گذاشته می‌شود. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده همچون ملی‌گرایی، صلح‌طلبی و... را نیز داریم. همانا بهره‌گیری از زنان برای ترغیب مردان به جهاد به قلم یک زن که از شماره‌ی هشتم شروع شد، در این شماره به کار خود ادامه می‌دهد و سه وظیفه برای زنان تعریف می‌کند که صبر، تربیت نسل مجاهد و کسب دانش هستند. بر این امر اشاره دارد که قرآن به زبان ساده است و مبانی دین برای همگان قابل‌درک هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها وحدت و دوری از دودستگی است. تقلید را تنها از پیامبر (ص) و بیعت را تنها با امام قریشی جایز می‌داند. مهدی رافضه و دجال معرفی می‌گردد که تنها با اعراب، به‌خصوص قریش، دشمنی دارد که ادامه‌ی جریان دوگانه‌سازی عرب و عجم و ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی است. شیعیان و یهودیان را پیرو اعتقادشان به ظهور مهدی، یکی در نظر می‌گیرد که دنباله‌ی جریان دشمن کردن همه است تا اینکه برای خود مشروعیت بخرد. کینه‌نژادی را بخشی از اسلام می‌داند و آن را از مفهوم «ولاء و براء» استخراج می‌کند که اشاره به جهاد با دشمن نزدیک صرف‌نظر از نژادش دارد. بشارت بازگرداندن کرامت و عزت مسلمانان همچون شماره‌های اول و هشتم تکرار می‌شود. ترک هجرت و بازگشت از دارالاسلام به دارالکفر به استناد احادیث، حرام اعلام می‌گردد؛ و اشاره‌ی آخرالزمانی به اینکه به‌زودی زمانی خواهد رسید که در آن علما فتنه خواهند کرد و آن روز، روز نزول جهل است.

شماره‌ی یازده با بیان تفرقه و تحزب شاخه‌های مختلف القاعده که رقیب داعش به شمار می‌آیند، از نیت خیر خویش که همانا اتحاد مسلمانان در سایه‌ی دولت اسلامی است، پرده برمی‌دارد و آن را چنگ زدن به ریسمان الهی می‌داند.

و اما از اینجاست که رافضه (شیعه مرتد) را بیشتر به گود دیگری سازی وارد می‌سازد و پروژه معرفی مهدی رافضه به‌عنوان دجال را کلید می‌زند که دست گذاشتن روی یکی از نقاط بسیار حساس شیعه یعنی مهدویت است تا سرآغازی بر سرانجام ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی باشد. برای تحقق بیشتر این امر، یکسان‌نمایی شیعیان و یهودیان را با بهره‌برداری از همین اعتقاد به ظهور مهدی یا درواقع منجی پیش می‌کشد که همانا دنباله همان منطق هم‌ارزی و دشمن کردن همه است تا برای خویشتن مشروعیت بخرد. از نکات بارز این شماره، اختصاص بخشی مجزا به گزیده عملیات‌های داعش است که در بقیه شماره‌ها ادامه پیدا می‌کند تا نمایش قدرت نظامی با قوت و دقت بیشتری صورت گیرد. روح حاکم در شماره یازدهم بیشتر بر پایه وحدت و پیوستن به جماعت و دوری از تفرقه و دودستگی است که بر ویژگی {يعتصم بحبل الله} رسولان الهی دلالت دارد.



يعتصم بحبل الله (منهاج نبوی داعش)
تفرقه و تحزب (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره دوازدهم مجله دابق

این شماره بیان می‌دارد که مسلمان، خود را در غرب غریبه احساس می‌کند و همواره در جست‌وجوی سرزمینی است که در آن بتواند به اسلام خود کامل‌تر عمل کند؛ به‌ویژه اگر امید جهاد داشته باشد که احیای خلافت، رهایی از این غربت را در پی خواهد داشت که از بزرگ‌ترین نعمات خداست که شکر آن را نتوان به‌جای آورد که همانا یادآور خلافت عباسی است. اشاره آخرالزمانی به کشتار وسیع در آخرالزمان دارد. در

ادامه‌ معرفی بیشتر دشمنان صلیبی، این بار نوبت به روسیه می‌رسد و بیان می‌دارد که خصومت صلیبی‌ها با مسلمانان را پایانی نیست. به معرفی جوانان کم‌سن و سالی می‌پردازد که در مناطق مختلف جهان به کشتار صلیبی‌ها پرداختند. سناریوی دیگری سازی از رقیبا، به‌خصوص فرق القاعده، همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. سمع و طاعت، این بار نیز در مقاله‌ای به قلم عیسی بن سعد اوشان مورد تأکید قرار می‌گیرد که شهادت در راه خدا در نبرد علیه آل سلول نصیش گشت؛ و اشارات تاریخی به نافرمانی از رسول خدا دارد که مصیبت را برای نافرمانان به دنبال داشت.

آشنایی زدایی با واژه‌های هژمون شده همچون ملی‌گرایی و دموکراسی طبق روال معمول مشاهده می‌شود. قانون تعدد زوجات به قلم یک زن مطرح می‌گردد. گزیده‌ای از عملیات‌ها و موفقیت‌ها گزارش می‌شود. اهمیت مدارس گوشزد می‌شود و اینکه مدارس کفر مفهوم ملی‌گرایی برخلاف ولاء و براء و تحمل ادیان را آموزش می‌دهند؛ درحالی‌که اولویت آموزش کودکان در اسلام، شریک قائل نشدن برای خدا و ایمان به او و کفر به طاغوت است. به قدرت رسانه‌ای دولت اسلامی اشاره دارد که در میدان نبرد ایدئولوژیک به نابودی هر استدلال غلط‌انداز مدعیان جهاد ادامه می‌دهد. این امر نیز همچون همیشه مورد تأکید قرار می‌گیرد که همه علیه دولت اسلامی جمع شده‌اند و با آن می‌جنگند که دنباله‌ سناریوی دشمن کردن همه یا خود را دشمن مشترک همه کفار معرفی کردن است. یکی کردن رافضه و یهود در این شماره نیز اشاره می‌شود. اذعان خبرنگار اسیر به برپایی شریعت توسط دولت اسلامی و در نتیجه کاهش فساد و جرم و جنایت و نیز اذعان سایر دشمنان به توان نظامی و شمار زیاد سربازان دولت اسلامی را شاهد هستیم. پروژه هویت‌سازی پس از مواردی چون استشهادی، انغماسی و... حال به سماعین می‌رسد که مستمعان مشتاق کفار و راه نفوذ پروژه‌های کفر هستند. مصاحبه با مجاهدان نیز ادامه دارد. بیعت گروه‌های مختلف نیز گزارش می‌شود.

در شماره دوازده با بهره‌گیری از اشارات تاریخی به نافرمانان از رسول خدا که به مصیبت‌های بسیار دچار گشتند، بر سمع و طاعت در قالب مقاله‌ای به قلم یک شهید تأکید دارد که با اطاعت از دولت اسلامی یعنی ولایت‌پذیری آن که همانا پذیرش

ولایت خداست، بدین فیض عظمی نائل گشت. به این ترتیب، بر بار عاطفی و احساسی می‌افزاید. در همین حال تأکید می‌کند که فرق القاعده با پذیرش ولایت طاغوت و رفتن زیر بار دین کفری دموکراسی که بر پایه ولایت مردم است، عاقبت خوشی را برای خود رقم نزدند. از این رو اهمیت مدارس را گوشزد می‌سازد و به امر تقابل روش می‌پردازد که همانا برابری اولویت آموزش شریک قائل نشدن برای خدا و ایمان به او و کفر به طاغوت در مدارس اسلام و آموزش مفهوم ملی‌گرایی و تحمل ادیان برخلاف ولاء و براء در مدارس کفر است. از جمله موارد بسیار مهم مورد اشاره در این شماره، بیان قدرت رسانه‌های دولت اسلامی است که در میدان نبرد ایدئولوژیک به نابودی هر استدلال غلط‌انداز مدعیان جهاد ادامه می‌دهد.

پروژه هویت‌سازی که در شماره‌های دوم و هفتم در رابطه با خودی بود و آن هم اطلاق عنوان انغماسی به مجاهدان داعش، این بار در شماره دوازده در رابطه با دیگری صورت می‌گیرد و آن زدن برجسب سماعین است که مستمعان مشتاق کفار و راه نفوذ پروژه‌های کفر هستند؛ تا به این ترتیب عمل خود و همراهانش را قداست و مشروعیت بخشید و در مقابل، عمل دیگری را از مشروعیت خالی سازد. از جمله دیگر موارد مشروعیت‌زدایی از غیر در این شماره، معرفی فرق القاعده به عنوان داعیان جهاد پوپولیستی است تا واژه هژمون‌شده حمایت مردمی را از مفهوم خالی سازد و خویشتن را نخبه‌گرا بنمایاند. روح حاکم در شماره دوازدهم بیشتر بر پایه ولاء و براء و سماع و طاعت است که بر ویژگی {ولاء الله} رسولان الهی دلالت دارد.



ولاء الله (منهاج نبوی داعش)
ولاء دموکراسی و طاغوت (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

شماره سیزدهم مجله دابق

این شماره با استناد به آیه ۸۴ سوره نسا که پیامبر را به جهاد به‌تنهایی و ترغیب مؤمنان به این امر می‌خواند، گرگ‌های تک‌نفره‌ای را معرفی می‌کند که در کشورهای خود، به‌خصوص در ملل غربی، به عملیات علیه صلیبی‌ها می‌پردازند و شهید می‌شوند و خدا یار و یاور آن‌ها و بازماندگان‌شان در دنیا و آخرت است. بهترین شهدا را شهدای ملاحم در مقابله با دجال می‌داند که دنباله‌اشارات آخرالزمانی است؛ و اتحاد رافضه و یهود پشت دجال را متذکر می‌گردد. لزوم جنگ با ائمه کفر که در شماره‌های قبلی نیز مطرح شده بود، از این شماره در قالب مقاله‌ای ارائه می‌شود که آن‌ها را به‌صورت علمای کاخ‌نشینی توصیف می‌کند که معنای حقیقی جهاد را رد می‌کنند. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده مانند غرور ملی و دولت دموکراتیک مدنی پلورالیستی صورت می‌گیرد. سناریوی دیگری‌سازی از رقبا، به‌خصوص فرق القاعده، پی گرفته می‌شود. پیوستن به جماعت و امام ایشان همچون همیشه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

تاریخچه‌گویی را از این شماره داریم که تاریخچه‌ای از صفویه تا رافضه امروز را ارائه می‌کند که سراسر مشروعیت‌زدایی است و هدف ایجاد تفرقه بین سنی و شیعه را یدک می‌کشد. گزیده‌ای از عملیات‌ها و موفقیت‌ها گزارش می‌شود. مصاحبه با مجاهدان ادامه دارد که اذعان بر اثبات حقانیت دولت اسلامی است. توصیه به اجرای احکام به‌ویژه احکاد را شاهد هستیم. بیعت‌ها نیز گزارش می‌شوند. اذعان دشمنان هم استمرار دارد.

شماره سیزده با استناد به آیه ۸۴ سوره نسا که پیامبر را به جهاد به‌تنهایی و همچنین ترغیب مؤمنان به این امر فرامی‌خواند، صحنه‌ای بر آغاز تغییر اولویت مطرح‌شده در شماره ده می‌گذارد تا اهمیت گرگ‌های تک‌نفره‌ای را گوشزد نماید که در کشورهای خود، به‌خصوص در ملل غربی، به انجام دادن عملیات علیه صلیبی‌ها می‌پردازند و شهید می‌شوند؛ و با اشاره آخرالزمانی و معرفی شهدای ملاحم به‌عنوان بهترین شهدا، رنگ و بوی عاطفی بیشتری به فضا می‌دهد. تاریخچه‌گویی، دیگر بخش مجزایی است که از این شماره اضافه می‌گردد که استناد به آن، هدف مشروعیت‌زدایی از دیگران به‌ویژه رافضه را یدک می‌کشد. روح حاکم در شماره سیزدهم بیشتر بر پایه

جهاد به‌تنهایی در راه خدا و ترغیب مؤمنان به این امر است که بر ویژگی { یقاتل فی سبیل الله نفسا و یحرض المؤمنین } رسولان الهی دلالت دارد.



یقاتل فی سبیل الله نفسا و یحرض المؤمنین
(منهاج نبوی داعش)
فرب (منهاج غیر نبوی غیر داعش)

شماره چهاردهم مجله دابق

داعش به دنبال پروژه منحصربه‌فردسازی خود، در این شمار نیز خلافت احیاشده خویش را تنها موجودیتی می‌داند که به اجرای شریعت و احکام خدا می‌پردازد که مجازات ارتداد را پس از سال‌ها اجرا می‌کند که همانا کشتن مرتد است مگر اینکه قبل از دستگیری توبه کند. همچنین بیان می‌کند که مرتدان و منافقان بهترین راه نفوذ به امت مسلمان هستند تا آرمان‌هایشان برای آخرت را تغییر دهند. آشنایی‌زدایی با واژه‌های هژمون‌شده همچون دموکراسی، صلح‌طلبی، پلورالیسم و... صورت می‌گیرد. روال معمول ارائه مفهوم جدید از تروریسم پیش گرفته می‌شود. لزوم مبارزه با ائمه کفر و کشتنشان که در شماره سیزده طی مقاله‌ای مطرح شد، در این شماره نیز پی گرفته می‌شود. افراد صوفی مشهور معرفی می‌گردند و به سبب اتحاد با طاغوت علیه دولت اسلامی، مرتد محسوب می‌شوند. دو اردوگاه حامیان کلمه خدا و حامیان کلمه کفر مشخص می‌شوند. ضرورت اطاعت این بار بدین صورت بیان می‌شود که مؤمن در دشوارترین شرایط باید از خدا و رسولش اطاعت کند و خود را بر این کار برانگیزد و اینکه خدا قومی را که دوست دارد، به مصائب گرفتار می‌سازد که خشنودی خداوند و بخشش گناهان را در پی دارد. اشاره آخرالزمانی این شماره نیز به مقابله با دجال اختصاص دارد که به

دو نیکویی بهشت و شهادت منتهی می‌گردد. دوگانه بندگان شیطان و بندگان الرحمان بیان می‌شود. معرفی و بیان داستان زندگی شهسواران و مؤمنان نیز ادامه دارد. گزیده عملیات‌ها گزارش می‌شود. تاریخچه گویی اخوان را این بار داریم که دنباله سناریوی دیگری‌سازی است. تاریخچه گویی مغول را نیز شاهد هستیم که مسلمانان آن عصر با مسلمانان عصر ما مقایسه می‌شوند که خروجی آن سه سه‌گانه زیر است: (۱) عصر مغول: حامیان دین، تارکان دین، خارجان از شریعت؛ (۲) عصر پیامبر: مؤمنان، کافران و منافقان؛ و (۳) عصر حاضر (با توجه به برپایی دولت اسلامی و بازگشت خلافت بر اساس سیره نبوی): حامیان احیای خلافت و اجرای شریعت، راه‌اندازان جنگ علیه خلافت و شریعت و مدعیان حمایت از برپایی خلافت و اجرای شریعت، تارکان جهاد، ترسوها و ملامت‌کنندگان مجاهدان بر سر هر ضعف و کمبود مشاهده شده. اذعان خبرنگار اسیر و دشمنان همچنان مشاهده می‌شود. مصاحبه نیز تداوم دارد. اجرای احکام گزارش می‌شود.

اشاره آخرالزمانی نصیب حسنین بهشت و شهادت در مقابله با دجال، از نگاه آخرت‌گرای دابق در شماره چهارده حکایت دارد و این‌طور می‌نماید که این امر در سرلوحه کارشان قرار دارد که هم به آثار و پیامد خوب و خوش جهاد آخرالزمان اشاره دارد و هم بار عاطفی به سنگین‌ترین وضعیت خود می‌رسد. روح حاکم در شماره چهاردهم بیشتر بر پایه توجه به آخرت و کار کردن برای آخرت به‌واسطه تحمل مصائب است که بر ویژگی {تفکیر الآخره} رسولان الهی دلالت دارد.



تفکیر الآخره (منهاج نبوی داعش)
دنیاگرایی (منهاج غیرنبوی غیر داعش)

فصل دوم: الگوی درون مجله‌ای

الگوی درون مجله‌ای الگویی است که کمابیش در تمامی مجلات مشاهده می‌شود. این الگو متشکل از موارد ثابت و افزوده شدن تدریجی موارد دیگر است که خود این موارد نیز در شماره‌های بعد به موارد ثابت تبدیل می‌گردند. الگویی که محصور بین سخن و درواقع پیش‌بینی آخرالزمانی ابومصعب الزرقاوی، رهبر معنوی داعش، مبنی بر این است که ارتش‌های صلیبی‌ها را در منطقه دابق خواهند سوزاند. این الگو در اول تمامی این چهارده شماره تکرار می‌شود. احادیث آخرالزمانی متفاوت در پایان تمامی شماره‌ها را نیز به صورت زیر می‌توان رسم کرد:

استناد: مستند کردن امور و عقاید به آیات و روایات و اسناد تاریخی؛

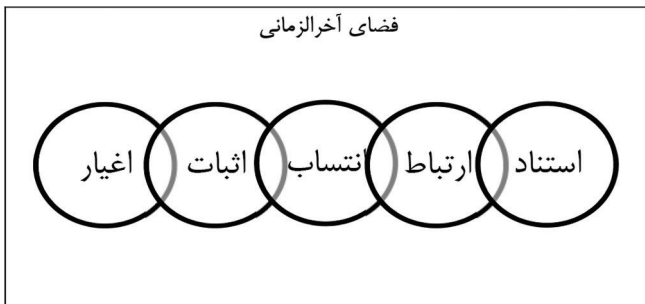
ارتباط: مرتبط کردن وقایع با حوادث و رویدادهای تاریخی؛

انتساب: منتسب کردن خود به افراد، صفات و... مورد اشاره در آیات و

روایات و اسناد تاریخی؛

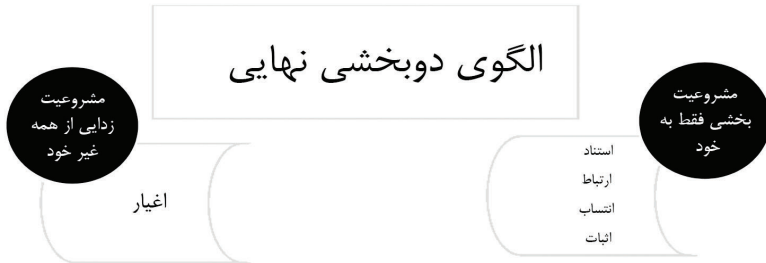
اثبات: ثابت کردن حقانیت با استفاده از:

۱. اذعان دشمنان؛
۲. اذعان خبرنگار اسیر روزنامه مشهور ایندیپندنت در قالب مقالاتی به قلم خود وی؛
۳. اقرار و اعتراف اسرا؛
۴. مصاحبه با مجاهدان و همسران آنها؛
۵. اذعان بیعت کنندگان و توبه کنندگان گروه‌های رقیب؛
۶. اخبار و گزارش‌ها:
 - شمار بیعت کنندگان و توبه کنندگان
 - فتوحات و آزادسازی‌ها و گسترش قلمرو
 - خدمات‌رسانی دینی (اجرای احکام)، اجتماعی (تجمع‌های نماز و افطار)، سیاسی، اقتصادی (جمع‌آوری و توزیع زکات)، عمرانی و...؛
۷. داستان‌سرایی؛
۸. معرفی اسوه حسنه؛ و اغیار: دیگری‌سازی.



الگوی پروپاگاندای رسانه‌ای

اکنون به مدد الگوهای به‌دست‌آمده می‌توان گفت که دابق در نگاه کلی به‌صورت زیر است:



آنگاه این الگوی پروپاگانداي رسانه‌ای را در نگاه جزئی به دو بخش شکلی و محتوایی می‌توان تقسیم کرد.

بخش شکلی

ترتیب و نظم

برخوردار از شکل منظم، مرتب و سازمان‌یافته

آراستگی و پیراستگی (جذابیت)

آراستگی به انواع ظرایف، مهارت‌های هنری و ذوقیات و همچنین پیراستگی از کج‌سلیقگی‌ها، ناهمواری‌ها و ناموزونی‌ها، طراحی‌ها، نقاشی‌ها و رنگ‌آمیزی‌های زیبا. اما شکل و نحوه اجرا و انتقال جذاب و مناسب پیام، به‌یقین در فرایند اقناع مخاطبان جای و جایگاه معتبر و مؤثری را دارد و بخشی و سهمی از بار تمهیدات متقاعدسازی را به دوش می‌کشد. موزون بودن و استفاده از رنگ‌های زیبا در این مجالات به چشم می‌خورد. ازجمله این رنگ‌ها، رنگ زرد است که پنج بار در آیات قرآن آمده است و تحریک‌کننده ذهنی و هوشی و تقویت‌کننده فکر به شمار می‌رود و اثر تلقینی دارد و درعین حال آرامش‌بخش و شادی‌آفرین است. رنگ آبی که آرامش مطبوع به همراه دارد و در اسلام به نگاه کردن به آب و آسمان تأکید شده است. و رنگ سبز که مفرح و ملایم است و زیباترین رنگی است که در آیات قرآن معرفی شده است.

صراحت

فهرست کردن و تقطیع مطالب در چارچوب موضوعی مشخص.

- داشتن نیت و هدف خیر؛
- صداقت از جمله درست از آب درآمدن پیش‌بینی گسترش جهاد مبارک از عراق به شام ابومصعب الزرقاوی همچون پیش‌بینی‌های ابن تیمیه؛
- مرغوبیت و حقانیت که به استناد آیات سخن حق را می‌گوید و قائل به این است که تنها موجودیتی است که بر مدار حق حرکت می‌کند؛
- اخلاقی و انسانی (توصیه‌های اخلاقی و دینی و همچنین پراگماتیسمی و عملیاتی - ارائه راهکار - جهت تسهیل عمل به دستورات داعش)؛
- مستند و مستدل (ذکر منابع قرآنی، روایی، سخنان، مصاحبه‌ها، آثارها و تاریخ‌ها که از جمله مهم‌ترین آن‌ها پس از قرآن، کتب حدیث صحیح مسلم و صحیح البخاری است. این مستندات بر توسل داعش به منابع موثق و بر صدق سخن و صحت دعوت آن در رابطه با وجوب هجرت، جهاد و بیعت و ضرورت تشکیل جماعت و سمع و طاعت دلالت می‌کند. به کارگیری نام ابوبکر با پسوند «الصدیق» نیز تأکید این دولت بر امر صداقت داشتن است)؛
- برابرگذاری (خود را تنها شبیه صحابه و نه هیچ کس دیگر می‌داند و بدین ترتیب فقط به بیان تفاوت خود با دیگران مدنظرش می‌پردازد که به نوعی جداسازی یا متمایزسازی است که همانا تأثیر مقابله‌ای برای آشکار ساختن تفاوت‌ها جهت نشان دادن برتری بر دیگری است)؛
- ساختن دشمن خیالی (تقسیم به خودی و غیرخودی - که در واقع دیگری‌سازی است مثل صحوات، روافض و بردن رقیب به خانه دیگری که در مورد فرق القاعده رقیب خود چنین می‌کند تا سرمایه اجتماعی ایشان را تصاحب کند - و نیز طراحی راه‌های مقابله)؛
- زبان تمثیل
- معقول و منطقی (نفی و اثبات نظری به صورت اثبات پیام مطلوب

خود با نفی پیام و شیوهٔ رقیب از طریق کنایه یا اشارهٔ تهمت):

- منشأ مشروع (عدم تضاد با مبانی پذیرفته‌شدهٔ مذهبی و اخلاقی)؛
- فراکلیشه‌ای (خوب دانستن و آشنایی‌سازی با واژه‌های دارای هژمون بد و ارائهٔ مفهوم جدید از آن‌ها همچون تروریسم و بد دانستن و آشنایی‌زدایی با واژه‌های دارای هژمون خوب و خالی‌سازی آن‌ها از مفاهیمشان همچون صلح‌طلبی و حمایت مردمی و در نگاهی دیگر، به‌کارگیری کلمات عربی به همان صورت تنها با حروف لاتین مثل hijrah که تمسک داعش به واژگان اولیه و عدم تسامح آن نسبت واژگان مدرن را نشانگر است که بین آن‌ها و گفتمان خویش ارتباطی نمی‌بیند)؛
- ترساندن از پیامد ناگوار عمل نکردن به دستورات داعش و بشارت دادن به عاقبت نیک عمل کردن به دستورات به استناد آیات و روایات و سرگذشت‌های تاریخی و اشاره به پیامدهای خوش خویش و عاقبت بد مخالفان و... که ایجاد انگیزه و کاهش مقاومت را موجب می‌گردد؛
- تکرار
- اعلام بی‌پروا با رنگ خدایی بخشیدن به همهٔ کارهایش که همه‌چیز خود را از ناحیهٔ خدا و او را همواره مراقب و حامی خود می‌داند. پس از چیزی یا کسی باکی ندارد و تحقق وعدهٔ پیروزی خدا در مورد خویش را به استناد آیات مسلم در نظر می‌گیرد (غیرممکن بودن تحقق رؤیای متقاعدسازی حتی دون پایه‌ترین سرباز با اخلاص دولت اسلامی و قطعی و تردیدناپذیر در نظر گرفتن امامت دولت اسلامی حسب آنچه خداوند آن را از نعمت پیروزی، تمکین و برپایی دین برخوردار کرده و پایبندی آن به این موضع باوجود سخت‌تر و سخت‌تر شدن مواجهه با مصائب بسیار)؛
- قاطعیت بیان (جایی برای بحث و تردید باقی نگذاشتن از طریق

بحث نظری)؛

- جنگ روانی (جنگ عقیدتی با سایر گروه‌ها و تکفیر عقیدتی)۔

سیاسی آن‌ها)؛

- اسطوره‌سازی از خود که خانه‌ی آمل و آرزوهای هرکسی است که آن را تجسم آرمان‌ها (احیای عزت و کرامت مسلمانان به واسطه‌ی احیای خلافت توسط دولت اسلامی) می‌داند؛ و در آن نظاره‌گر هرچه خوبی و فضیلت است که دولت تمام مسلمانان و سرزمین آن، سرزمین تمام مسلمانان است. و اینکه می‌گوید به‌سوی دولت خود بشتابید؛ در ضمن برای این کار از زبان هجرت‌کنندگان نیز بهره می‌برد که سرزمینی آرمانی را توصیف می‌کنند؛ و با بیان لزوم ریختن خون به خاطر آرمان دولت و امام واحد توسط مسلمان پیرو شهادت‌دهنده‌ی لا اله الا الله، خون‌ریزی را آرمانی می‌سازد. و اینکه رسالتی جهانی برای خود قائل است؛

- تحریک (بهره‌گیری از واژه‌های تحریک‌آمیز مثل سنگ برای صحوات، روافض و یهودیان جهت هتاکی و تحقیر؛ تصاویر احساس‌برانگیز مانند کودکان زخمی، ارزش‌ها همچون تجاوز به عنف (تأکید بر انگیزه‌ی غیرتمندانه) و نیازهای ضروری)؛

- قداست‌زدایی (مشکوک کردن اعضای گروه‌های رقیب خود نسبت به رهبران‌شان با استفاده از مثلاً انگ دروغ‌گویی زدن به آن‌ها و زیر سؤال بردن اهداف‌شان با این وصف که دست‌نیافتنی‌اند که داعش همواره اهداف خود را چون به‌حق و الهی می‌داند، دست‌یافتنی بیان می‌کند و اهداف غیر خود را دست‌نیافتنی)؛

- فنون تمکین‌طلبانه (وعده، تهدید که ترساننده‌تر از اقدام به عمل است و ترغیب)؛

- رخدادهای کاذب همچون مصاحبه (بهره‌گیری از زنان برای توصیه به دیگر زنان به‌خصوص به صبر در برابر مجاهدت‌های شوهران،

- پدران و...؛
- تاکتیک‌های تعارض (مسخرگی و تحقیر)؛
- نوستالژی (یادآوری دوران طلایی صدر اسلام)؛
- تهییج (تحریک احساسات مانند هیجان کشتن کافران هر جا که آن‌ها را بیابید)؛
- تظاهر به یکپارچگی (به جماعت مسلمانان و امام ایشان پیوندید)؛
- متهم کردن مخالفان به همکاری با...؛
- گزینش اخبار و اطلاعات بر مبنای تأثیرگذاری در جهت خاص (افکار سازی) که متمرکز بر پیروزی‌های عملیاتی، فتوحات، گسترش‌ها، آزادسازی‌ها، بیعت‌ها و... است؛
- بار عاطفی کلمات
- طرح شبهه‌های موجود در مورد خود و پاسخ‌گویی به آن‌ها؛
- انعکاس ادعاهای کذب گروه‌های دیگر همچون مدعیان جهاد؛
- طبقه‌بندی یا مطلق‌انگاری اسلام و کفر)؛
- هجوم برای سوار شدن به واگن در رقابت برای پیوستن به دولت اسلامی؛
- برجسب زدن (برجسب‌های ناروا همچون ملحد، کافر، مشرک، فاسد، منافق، مرتد، بی‌دین؛ و برجسب‌های روا همچون اهل دین، صالح و...؛ و برای سخن‌پراکنی از افراطی و تندرو استفاده می‌شود)؛
- انتساب؛
- استهزا؛
- ایجاد حس افتخار؛
- مظلوم‌نمایی (ظلم‌ستیزی)؛
- نام‌گذاری (دادن القاب شیخ و امام به رهبران خود و همچنین دادن القاب و کنیه‌هایی به مجاهدان خود همچون ابومحارب المهاجر که بر هجرت و جهاد اشاره دارد و ابوجعفر الالمانی که حاکی از وجود

مجاهدان از سراسر جهان است)؛

● القای دروغین رسیدن به هدف؛

● خشونت رسانه‌ای (استفاده از تعابیر تند که جریان‌های مخالف را به بدترین شیوه موردتهاجم قرار می‌دهد و بسیار ناآگاه و پست می‌نمایاند)؛

● تلفیق دوران آخرالزمانی با دوران طلایی صدر اسلام (مهم‌ترین دوره‌های تاریخی که همانا جنگ‌های رده و فتوحات هستند که جنگ‌های رده با ابوبکر گره‌خورده و برای اهل سنت شناخته‌شده است)؛

● قداست‌بخشی بخشی به شام و معرفی آن به‌عنوان ارض المبارکه و ارض الملاحم که جنگ‌های آخرالزمانی در آن رخ می‌دهند و بیان اهمیت عراق، سرزمین میان دو رودخانه؛

● برنامه داشتن برای آینده‌های دور با بیان امامت سیاسی برگرفته از ملت ابراهیم، آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی.

● نگاه هدایتی و منحصر کردن نقش هدایتگری به دولت اسلامی که هیچ رسولی پیش از این نیامد جز اینکه وظیفه‌اش هدایت مردم به خیر و بر حذر داشتندشان از شر باشد و اینکه تنها دولت بر منہاج صحیح است؛

● زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای هجرت بر اساس هجرت ابراهیم از سرزمینش به خاطر خدا؛

● دانشگاه تروریسم؛

● کلاس دشمن‌شناسی؛

● رضایت مردمی (پذیرش و استقبال عمومی)؛

● اعتمادسازی؛

● بهره‌گیری از اذعان دشمنان و کسب اعتبار برای خود از زبان غیري که حال، به خودی بدل گشته است؛

- داستان‌سرایی؛
- دوگانه‌سازی مرجئه (اهل تفریط و تنها مسلمان به بیان و نه عمل) و خوارج (اهل افراط) و اینکه داعش برخلاف هژمون موجود که همه آن را خارجی می‌دانند، بر این عقیده است که میانه‌رو است؛
- هجو (اخوان‌المفلسین)؛
- دیالکتیک (سوژه‌ای که اوژه شد)؛
- ضد مصلحت‌اندیشی؛
- پیوند دادن رویدادهای روایت‌شده در سنت و سیره پیامبر با رویدادهای امروز و به‌نوعی احیای سنن؛
- ایجاد حس تعلق؛
- بزرگ‌نمایی؛
- نمایش قدرت نظامی؛
- نمایش قدرت، تأثیر و برتری رسانه‌ای؛
- منطق هم‌ارزی؛
- دعا؛
- تأکید بر واجبات و وظایف؛
- آمار؛
- پاسخ‌دهندگان به دعوت به حمله در کشورهای خود؛
- داعش، برخلاف هژمون موجود که همه آن را خارجی می‌دانند، نه خود بلکه دیگران را خارجی می‌داند؛
- گزارش بیعت (غیر از اعضای رقیب)؛
- ترس؛
- رنگ خدایی دادن، امداد و معیت الهی؛
- اجرای احکام؛
- شکست و بی‌ثمر بودن همیشگی اقدامات دشمنان و مخالفان؛
- نوید و بشارت؛

- هویت‌سازی؛
- تقلیل جنگ کفر با اسلام به جنگ کفر با داعش؛
- انتقام‌گیری؛
- قیاس؛
- زنان (اهمیت زنان و توجه به ایشان، تأکید بر انگیزه غیرتمندانه، حره‌ی همیشگی خواهران اسیر، انتقام خواهران عقیفه، بهره‌گیری از زنان برای ترغیب مردان به جهاد و تشویق زنان به هجرت، بهره‌گیری از عواطف زنان و اموری همچون زایمان که فقط زنان درک می‌کنند)؛
- امیددهی (پناهگاه مظلومان، اسلام، صعود و سر به فلک کشیدن را آغاز کرده است؛ احساس بادهای پیروزی، امید به حمایت بیشتر خداوند و...)
- ارائه راهکار (ارائه راهکارهایی برای تسهیل عمل به دستورات دولت اسلامی همچون ایده‌گشودن جبهه‌های جهاد در وطن خود، پنهان‌کاری در برنامه‌ریزی و اجرای حملات، راهکارهای کشتار و ارباب و...)
- از بین بردن آثار شرک (تخریب آثار شرکی یک ملت مانند مجسمه‌ها، قبور و...؛ خط میراث‌دار سنت ابراهیم (ع))؛
- اذعان خبرنگار اسیر روزنامه‌آیندپندنت از طریق مقالاتی به قلم وی (نگاه از بیرون و از زاویه دید خبرنگار اسیر روزنامه مشهور بین‌المللی آیندپندنت که به لحاظ رسانه‌ای مهم است؛ و همگی این مقالات از توان بالای نظامی و... دولت اسلامی حکایت دارد و بزرگ‌نمایی داعش خصیصه بارز آن‌هاست)؛
- گزارش بیعت اعضای رقیب؛
- افشای کارهای گذشته رقبای وجود اختلاف میان آن‌ها؛
- استفهام انکاری؛

- داعش، دشمن مشترک همه کفار؛
- اعتراف (واقع‌گرایی)؛
- داشتن نگاه گله‌ای و کشتن همه؛
- توجه به مدارس و آموزش پایه؛
- هشدار و اتمام حجت؛
- لازم و ملزوم هجرت و جهاد
- بیعت کنندگانی که خود به دعوت‌کننده بدل گشتند (مشروعیت‌بخشی به زبان بیعت‌کنندگان)؛
- تأکید بر وجود کینه‌نژادی در اسلام و ضرورت جهاد با دشمن نزدیک؛
- طعنه و کنایه؛
- معادل‌سازی؛
- وعده دادن خانه و سایر منابع موردنیاز؛
- سه‌گانه‌سازی؛
- تاریخچه‌گویی؛
- تأکید بر غیر سوری و چندملیتی بودن نیروهای خود؛
- زبان‌شناسی؛
- زندگی‌عادی؛
- نخبه‌گرایی؛
- بر حذر داشتن از منفی‌بافی؛
- تئوری توطئه؛
- آرمانی‌سازی؛
- کل‌نگری (تلفیق بُعد نظامی و روانی و ارائه چهره کار بلد و همه‌جانبه نگر)؛
- به هر طریق و با هر ابزاری به هدف رسیدن؛
- توصیه‌های عملیاتی و پراگماتیسمی؛

- اذعان رقباً به تهدید داعش؛
- ایجاد دشمنی و تفرقه میان عرب و عجم و سنی و شیعه؛
- ارائه نقشه راه جهاد با دشمن نزدیک؛
- اذعان هجرت کنندگان؛
- ترکیب عالم و مجاهد شبیه صدر اسلام، شیوه درهم و آمیخته که بر جذابیت متن می افزاید؛
- دیگری سازی از گروهی به زبان عضو جدا شده از آن؛
- دیگری سازی از دو گروه از طریق خود آن گروه ها؛
- اطمینان بخشی؛
- معرفی اسوه حسنه؛
- روش قرآنی رو کردن دست؛ و
- قوانین جذاب برای مردان (قانون تعدد زوجات).

فصل سوم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مجموع این‌طور می‌توان گفت که [مجله دابق] در پی تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی و ساختن دشمن خیالی است (سیلان اردستانی، ۱۳۸۷: ۷۶)؛ درصدد تغییر چیزی یا قانع و متقاعدسازی کسی نیست؛ بلکه بایدها و نبایدهایی را بر اساس آیات، روایات و... مطرح می‌سازد که لازم‌الاطاعه هستند. نگاه بسیار حدیث‌گرایانه را شاهد هستیم که بیشتر مبتنی بر استفاده از احادیث آخرالزمانی برای کسب مشروعیت است؛ حال آنکه احادیث آخرالزمانی معدود و ضعیف هستند و به اثبات صحت منبع نیاز دارند که اکثریت آن‌ها متعلق به اهل سنت و فقط دو یا سه مورد مربوط به شیعه هستند که این احادیث، به‌خصوص روایات در ارتباط با دجال، ضعیف‌اند. همچنین خود با بیان احادیث فراوان در مورد غنیمت، از اجر جهاد می‌کاهد که نوعی تناقض‌گویی است.

این‌طور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که باوجود استناد فراوان به آیات و روایات، بخش اثبات‌الگوی تبلیغی درون‌مجله‌ای حاصل سیر صعودی و

افزایشی داشته است که آن هم بیشتر از زبان دشمنان، اسرای مرتد و جاسوس و ... است؛ و دیگری سازی از شماره‌ای به شماره دیگر با برچسب زدن‌ها (مرتد، منافق، مشرک و ...) و لفاظی‌های بیشتر که اغلب هوچیگری، شانناژ، جوسازی و نشر اتهامات (بریجانیان، ۱۳۷۳: ۶۹۴) است، تشدید می‌گردد که همانا گواه ضعف و همچنین نیاز و میل این گروه به دیده شدن بیشتر است. حکیم ارد بزرگ نیز این‌طور بیان داشت که بزرگ‌ترین نابکاری آن است که بپنداریم برای آنکه برترین باشیم، باید دست به ویرانگری چهره دیگران بزنیم. در ضمن نشانگر فعالیت وسیع رسانه‌ای آن نیز هست که در حین انجام دادن این پژوهش متوجه شدم که انتشار مجله جدیدی با عنوان رومیه (اواخر سال ۲۰۱۶) را نیز آغاز کرده است. همچنین سیر دور شدن از دعوت به هجرت به شام و ... و بیشتر پرداختن به برانگیختن برای جهاد در سرزمین خود مجاهدان به‌ویژه در ملل غربی و انتشار گزارش عملیات‌ها و اقدامات مجاهدان در کشورهای مختلف نشانگر از بین رفتن اولویت هجرت و نمایانگر ضعیف شدن و از دست دادن قدرت در سرزمین‌هایی است که در آن‌ها به سر می‌برد.

بهره‌گیری از عواطف زنانه را از دیگر دلایل ضعف آن می‌توان برشمرد که از شماره هشت مقالاتی را به قلم یک زن شاهد هستیم که شاید به‌نوعی تلطیف رفتار جنگجویانه در هفت شماره قبلی باشد. کاری جز مسخره کردن دیگران ندارد که گواه موضع ضعف آن است. این‌همه طرح شبهات در مورد خود و پاسخ‌گویی به آن‌ها برای رفع شبهه عجیب است؛ گویی خود نیز به خویشتن شک دارد و ضروری می‌بیند و درواقع نیاز دارد حقانیت خود را اثبات کند. مسلمانان را افرادی خشونت‌طلب، شهوت‌طلب، فرصت‌طلب، کینه‌جو، خیال‌پرداز و ... نشان می‌دهد که به ارائه چهره زشت از اسلام منتهی می‌گردد. بیان ۱۴۳ مضمون مرتبط با نمایش قدرت نظامی، این مجله را به مجله‌ای صرفاً تبلیغاتی برای جذب نیروی نظامی یا جنگجو تنزل می‌دهد. با بیان اینکه اهل سنت همواره مورد ظلم و تجاوز شیعیان بوده‌اند و دست گذاشتن

روی مهم‌ترین مسائل تشیع یعنی مهدویت و عاشورا سعی در حساس کردن شیعیان و ایجاد تفرقه مذهبی دارد. داعش با وجود آنکه فقط خود را در صراط مستقیم می‌داند و دیگران را منحرف می‌شمارد، از خطرناک‌ترین انحرافات که مطرح می‌سازد، تصور برحق بودن خود است که موجب می‌شود فکر کند هیچ مانعی برای آن وجود ندارد. جعل سند و فریب دیگران برای دستیابی به اهداف آن اشکالی ندارد که از این رو، داعش را با وجود مخالفت آن با عقاید ماکیاولی، می‌توان ماکیاول در نظر گرفت.

داعش، از طریق دابق، مطلق‌های خود را با حساب و کتاب و با پیروی از الگویی دینی به ذهن مخاطب وارد می‌کند؛ چون می‌داند دین بدون مطلق‌های خود، دین نیست؛ یعنی به نوعی اسطوره‌سازی از مفاهیمی که مدنظر آن‌هاست، صورت می‌گیرد. آنگاه پس از شکل‌گیری پیش‌فرض، ذهنیت و چارچوب، تمامی اطلاعات جزئی در این چارچوب معنا می‌گردند. دابق از یک حوزه مبانی و یک زاویه نگاه خاص برخوردار است: حق، آن است که ما می‌گوییم. با این وصف، معلوم نیست چرا مفهوم لیبرال مطلق آزادی بیان را شرک تلقی می‌کند که خود، آن را برای تبلیغ انحراف خود برگزیده است. گونه‌ای از بازی با کلمات را شاهد هستیم که حاکی از پی بردن داعش به قدرت کلمات است و اینکه هیچ دو کلمه‌ای یک معنا ندارند. اسطوره‌ای از خود ساخته است که قضیه را کاملاً برعکس نشان می‌دهد و در آن جای ظالم و مظلوم عوض شده است، در این صورت، هر خبری از گروه‌های رقیب به سرمایه‌ای برای آن بدل خواهد شد.

داعش خود را متفاوت از همه در نظر می‌گیرد و هیچ‌کس را مثل خود نمی‌داند. شنا کردنش برخلاف جریان کاملاً مشهود است؛ وقتی فقط خود را در صراط مستقیم می‌داند، در واقع خط بطلانی بر بسیاری از فنون و نظریه‌های تبلیغاتی موجود می‌کشد که عدم تسامح آن را با اغلب اصول و مبانی امروزی نشان می‌دهد. در مقابل، مفاهیم تازه‌ای از اصطلاحات و اصول مرسوم ارائه می‌کند که دارای هژمون منفی‌اند که تروریسم از آن جمله است. داعش برخلاف

القاعده [و تقریباً همه گروه‌های تکفیری] که به‌ندرت می‌پذیرند یک گروه تروریستی‌اند و سعی می‌کنند خود را یک گروه مقاومتی معرفی کنند (هافمن، ۲۰۰۶: ۲۲)، تلاش دارد به‌عنوان یک سازمان تروریستی درک شود. از این رو در صدد ارائه مفهومی جدید از تروریسم بر اساس آیات قرآن از جمله آیه ۶۰ سوره انفال است تا از این طریق عمل ارباب دشمنان و مخالفان خویش (وحشت‌نمایی) را تطهیر کند که همین امر خود نشانگر استفاده‌گزینشی از آیات و روایات و ارائه تفسیر خود از آن است (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). استفاده‌گزینشی و تحریف‌شده از دین در مطالعه ورگانی^۱ و بلیوک^۲ مورد بحث واقع شد (ورگانی و بلیوک، ۲۰۱۶: ۱۷). این امر، خود بر تاکتیک تهاجمی آن و خشونت آشکار دلالت دارد و در برخی موارد نیز با اطلاق حملات تلافی‌جویانه به انتقام مسلمانان به باور آن به خاک و خون کشیده‌شده توسط دشمنان، به‌خصوص ائتلاف صلیبی علیه آن و با تأکید بر کشته شدن زنان و کودکان جهت مظلوم‌نمایی، جایی برای ملامت باقی نمی‌گذارد که توجیهی برای اقدامات جهادگرایانه آن و کامل‌کننده هویت تروریستی‌اش است.

همچنین از دیگر موارد بهره‌برداری از آیات و روایات، منتسب کردن خود به افراد و صفات مورد اشاره در آن‌هاست و بدین واسطه بر حق بودن و مأموریت داشتن خود را مشروعیت می‌بخشد که مأموریت‌هایش در بخش الگوی بین‌مجله‌ای حاصل از یافته‌ها ارائه گردید که با توجه به متفاوت بودنش در هر شماره، نمایانگر سیر یا روند تغییر موضوع است که با مطالعه مرکز کارتر مطابقت دارد (مرکز کارتر، ۲۰۱۵: ۲). دابق هویت حال و آینده داعش را عرضه می‌دارد که به لحاظ مبانی مبتنی بر ایدئولوژی دینی است، اما در عمل، نظامی‌گری اساس آن را تشکیل می‌دهد که با عنوان جهاد بدان قداست می‌بخشد. همان‌طور که بخش اعظم دابق نشان می‌دهد، همواره در حال نمایش قدرت نظامی و بیان تاکتیک‌های خاص خود است که

1. Vergani

2. Bliuc

اغلب تاکتیک ترور با انجام دادن عملیات‌های انتحاری است که با عناوین استشهادی و انغماسی رنگ و بوی دینی و اعتقادی می‌گیرند. این عملیات‌ها در شماره‌های نخست به‌صورت پراکنده ولی با جریان ثابت بیان می‌شوند؛ اما از شماره ۱۱ تا ۱۴، بخش مجزایی به‌گزیده عملیات‌های داعش اختصاص پیدا کرده است.

دابق را می‌توان کلاس آموزشی منحصربه‌فرد برای دشمن‌شناسی دانست که ارتباطی با مبانی اسلام ندارد و در حقیقت سعی بر آن دارد که مسلمانان را دشمن معرفی کند؛ و این‌گونه بر آتش تفرقه در خاورمیانه دامن بزند و به پرورش نیروی خود بپردازد. برای این کار، با دست‌مایه قرار دادن مذهب و احساسات مذهبی، خود را پشتیبان و نماینده جمعیت عظیم مسلمانان سنی و احیاگر عزت ایشان می‌شناساند که چندپاره شدن جهان اسلام را موجب می‌گردد که برخلاف ادعای آن، یعنی تشکیل امت اسلامی، تضعیف آن و قدرت ملل مسلمان را در پی دارد. این‌گونه برمی‌آید که داعش در دابق کار سهل تخریب را به مدد پروپاگاندا بر کار سخت ساختن برگزیده است؛ چراکه تخریب همواره از ساختن آسان‌تر است؛ و بنا را بر بیگانه‌سازی امت به‌جای یگانه‌سازی آن قرار داده است. شعار داعش، اسلامی نیست؛ بلکه قومیتی بر اساس عرب بودن و اهل سنت بودن است. دابق می‌داند که لبه تیز حساسیت در برهه کنونی به چه سمت باید باشد. حال آنکه از تعصب دیگران سخن می‌گوید؛ و این نمایانگر نوعی تناقض است.

از دیگر موارد عدم تسامح آن با اغلب اصول و مبانی امروزی، خالی‌سازی مفهوم دارای هژمون مثبت «حمایت مردمی» از معنا و مفهوم است که نشانگر آن است که داعش به دنبال مخاطب نخبه است و از نخبه‌گرایی آن حکایت دارد؛ چراکه اثر آن‌ها هزاران بار بیشتر از سطوح پایین‌تر مردم است و می‌توانند جهت‌گیری را عوض کنند؛ برای آنکه هر جامعه‌ای تحت تأثیر نخبگان خویش است. آنکه عضو داعش است، با فرد بیگانه تفاوت دارد؛ چراکه یک عضو می‌تواند تحت ایدئولوژی اسلامی آن‌ها زندگی کند. تداوم انتشار اطلاعات

در خصوص خدمات اجتماعی تأمین‌شده توسط آن و موفقیتش در میدان نبرد علیه دشمن، جداسازی آن از عموم را بیشتر قطبی می‌سازد که اگر به ما بپیوندید، خیروخوشی در انتظارتان است و اگر جلوی ما بایستید، خشونت را منتظر باشید که این امر خود به توجه و هشدار دادن داعش به عواقب و پیامدهای ملحق گشتن و ملحق نگشتن به آنکه در این مجله فراوان دیده می‌شود (حکیم‌آرا، ۱۳۹۰: ۲۹۸-۳۲۷)، اشاره دارد؛ چون دولت، خود را تنها برای پیروان خود می‌داند.

ایدئال‌سازی خلافت را به‌صورت موضوعات اتوپایی همچون مکان اتحاد و همبستگی، کاهش جرم و جنایت و فساد در پی برپایی آن، اجرای شریعت در همه ابعاد زندگی و همه‌جانبه نگر بودن آن که تمام امور دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را دربرمی‌گیرد، به تصویر می‌کشد که با مطالعه نجات‌پور، میلانی و نجات تطابق دارد و بیان می‌دارد گروه‌های اجتماعی سرکوب‌شده یا ارضاناشده در فضای کنونی، به آرمان‌شهری گرایش می‌یابند که تصور می‌کنند گروه‌های تروریستی همچون داعش ساخته‌اند (نجات‌پور، میلانی و نجات، ۱۳۹۳: ۹۹).

داعش با بهره‌گیری از حوادث و رویدادهای تاریخی، به‌ویژه فتوحات و به‌خصوص جنگ‌های رده ابوبکر که لقب صدیق را برای او به کار می‌برد تا گواهی بر صدق عملش با پیروی از وی باشد و ارتباط دادن آن‌ها با حوادث و رویدادهای امروز، سعی در استفاده گزینشی از تاریخ نیز دارد که یک ابزار مهم پروپاگانداست (لیپمن^۱، ۱۹۲۱: ۸۶-۹۵). اشارات تاریخی را در کل شماره‌ها شاهد هستیم؛ ولی از شماره هفت، به دلیل اهمیت، بخش مجزایی با عنوان «از صفحات تاریخ» اضافه می‌گردد که به ارائه اسناد تاریخی می‌پردازد که اولین آن‌ها سند همین جنگ‌های رده است. سردرگمی‌های مکانی و زمانی نیز مورداستفاده قرار می‌گیرند. سردرگمی‌های سرزمینی و مکانی در کل تاریخ برای برانگیختن پاسخ انسان معمولی به حمایت از خواسته‌های طبقه حاکم

مثل فتح سرزمین‌ها یا توجیه اعمال دست‌مایه قرار گرفته است (همان‌جا) که همانا در مورد داعش بازگرداندن خلافت و بازپس‌گیری سرزمین‌های ربوده‌شده مسلمانان در کل تاریخ بوده است که معتقد است حقا و انصافاً به ایشان تعلق دارد و تشکیل دولت اسلامی، ویژگی منحصر به فرد داعش است. سردرگمی زمانی، یک پدیده متداول در هر دو بافت تاریخی و جاری است که تاریخ مشهور، یک شکارگاه گسترده سردرگمی‌های زمانی است (همان، ۹۵-۹۶) که برانگیختن آتش خشم علیه جنایات مسیحی در طول جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان از آن جمله است. داعش با استفاده از سردرگمی‌های مکانی و زمانی به دنبال برانگیختن هیجانات مسلمانان به نفع خویش است؛ تا به‌عنوان برافرازان پرچم عدالت مسلمان علیه اتحاد صلیبی در نظر گرفته شوند؛ هیجانی که از انجام دادن کار ارزشمند ناشی می‌گردد. هیجانات، در مطالعه ورگانی و بلیوک، مهم‌ترین عامل بسیج‌کننده بیان می‌شود (ورگانی و بلیوک، ۲۰۱۶: ۱۶). زمینه (تم) کلی یافت‌شده در کل مدل لیپمن، وزن دادن به احساسات و هیجانات است. استفاده از احساسات و هیجانات در پروپاگاندا از مهم‌ترین تاکتیک‌هاست که پروپاگاندا نیست به کار می‌برد. احساسات و هیجانات، پاسخ به هر رویداد یا انگیزه‌ای است که برانگیخته می‌شود. رویدادهای تاریخی مبتنی بر احساسات و هیجانات هستند. احساسات و هیجانات، از استفاده از یک فرایند منطقی بسیار قدرتمندترند (لیپمن، ۱۹۲۱: ۸۶-۹۵). بازگشت به زبان شماره‌های نخست ولی با هیجان بیشتر، نشانگر نیاز به جذب نیروی جدید است (ورگانی و بلیوک، ۲۰۱۶: ۱۶-۱۷) که از شماره هشت مشهود است. افزایش توجه به زنان را به‌ویژه در قالب مقاله‌ای به قلم یک زن از شماره هشتم به بعد داریم که نوعی بهره‌گیری از عواطف و احساسات زنانه برای ترغیب و برانگیختن مردان برای جهاد است. مطالعه ورگانی و بلیوک نیز مؤیدی بر این سخن ماست که افزایش توجه به زنان را برای برقراری ارتباط با افراد مرتبط با ایشان می‌داند (همان، ۱۸).

دابق با تعریف رسالت الهی و تعیین تکلیف برگشت‌ناپذیر مذهبی برای

داعش، صورتی از آینده‌ای روشن با نتیجه‌ای معلوم را ترسیم می‌کند که در آن، برنده‌ی نهایی است تا هدف تکثیر تعداد مستمعان را تحقق بخشد. کلیدواژه‌های مطرح‌شده حکایت از آن دارند که همه باید موضع خود را نسبت به داعش تعیین کنند. این امر، از پیشروی به‌واسطه‌ی تحقیر دیگران حکایت دارد که هویت‌بخشی و تقویت قدرت روحی را موجب می‌گردد. داعش به اثبات وجود و حقانیت خویش از طریق اذعان دشمنان در تمامی شماره‌ها، اضافه شدن اذعان خبرنگار اسیر مشهور روزنامه‌ی ایندپندنت به قلم خود وی از شماره ۴، مصاحبه با اسرا در شماره ۳ شش، مصاحبه‌های متعدد با مجاهدان از شماره هفت به بعد و بیان داستان زندگی مجاهدان در قالب بخشی با عنوان «از میان مؤمنان هستند مردانی» آن هم از شماره هفت به بعد می‌پردازد.

بخش بسیار مهم دیگری‌سازی که به جرئت می‌توان گفت بیش از نیمی از حجم مطالب را به خود اختصاص داده است، سناریوی دنباله‌داری است که از مباحث نظری و فقهی و فنون تبلیغاتی مختلف بهره می‌برد که تنوع موضوع برای آن به تعداد مجلات را می‌توان متصور گردید که در بخش الگوی بین‌مجله‌ای حاصل از یافته‌ها ارائه گردید. مشهودترین فنی که می‌توان بیان داشت، دشمن کردن همه‌ی غیر خود و راحت کردن خیال بابت پروژه‌ی مشروعیت‌بخشی است؛ یا در مقابل، معرفی خود به‌عنوان دشمن مشترک همه‌ی به‌اصطلاح کفار است. بدین ترتیب، پروژه‌ی دیگری‌سازی را کلید می‌زند که هدفش تقلیل جنگ کفر با اسلام به جنگ کفر با داعش است؛ تا خود را تنها مجری اسلام جا بزند و بدین ترتیب، نیروهای خیر و شر را معرفی کند و به تقسیم‌بندی دوگانه‌ی جهان اسلام و جهان کفر خویش جامعه‌ی عمل ببوشاند. این موضوع، با مطالعه‌ی ژاکلین بروسلا^۱ در این باره مطابقت دارد که روایت هویت‌سازمانی معامله‌ای متشکل از جاذبه‌های مشروعیت است که به ساخت اجتماعی پدیدار گشتن خصوصیات معین یک جمع در طول زمان و پیش‌بینی و رد اقدامات مشروعیت‌زدایی سایر

جمع‌ها می‌پردازد (بروسلا، ۲۰۱۶: ۱).

هویت‌سازی بخشی از کار این مجله است که هم برای خود و هم برای دیگری صورت می‌گیرد. ازجمله موارد هویت‌سازی برای خود، به استشهادی‌ها و انغماسی‌ها و ازجمله موارد هویت‌سازی برای دیگری، به سماعین می‌توان اشاره کرد.

توازن مناسب واقع‌گرایی و خیال‌پرستی اساس تمام فنون پروپاگانداست که بدون آن کنشی وجود ندارد (لیپمن، ۱۹۶۱: ۱۰۹-۱۱۱). برای مثال، داعش از افتخارات جهاد همچون بهشت ابدی و جنگیدن به‌عنوان مجاهد سخن می‌گوید و مجاهدان را به‌گونه‌ای نشان می‌دهد که از امور و جراحتهای عجیب‌وغریبی جان سالم به در می‌برند؛ و درعین‌حال از سختی‌های جهاد، خطرات امنیتی و... نیز صحبت می‌کند که همگی به ساخت تصویری از چنین مجاهدی و جذب نیروی موردنیاز کمک می‌کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی

الگوهای تبلیغی بین و درون مجله‌ای به‌دست‌آمده را علت موفقیت داعش در جلب مخاطب و جذب نیرو می‌توان در نظر گرفت که اهمیت داشتن الگویی برای جذب مخاطب را نشانگر است. ازاین‌رو راهکار زیر به متصدیان امر تبلیغات رسانه‌ای، محققان حوزه رسانه و تبلیغ و... پیشنهاد می‌گردد تا افکار عمومی را در جهت صحیح هدایت و حفظ کنند:

- بهره‌گیری از الگوی منسجم در حوزه تبلیغات رسانه‌ای که از موارد ثابت بر پایه مبانی دینی، ملی، اجتماعی و... به همراه افزایش تدریجی موارد اقتضایی برخوردار باشد تا هم کنترل افکار مخاطب از دست نرود و هم حجم زیاد اطلاعات به‌یک‌باره منتقل نگردد که خود موجب سردرگمی است. این الگوی منسجم می‌تواند ویژگی‌های زیر را داشته باشد:
- تأسی به تأثیر تدریجی و آرام رسانه‌ای به‌واسطه افزایش استفاده از

الگوهای تبلیغی ساده و برخوردار از جزئیات کمتر و درعین حال انتقال‌دهنده مفاهیم بیشتر که هم‌کنه مطلب را برسانند و هم حوصله سر بر نباشند؛ و ارتقای سطح آگاهی در رابطه با فنون و حرب‌های تبلیغاتی؛

- فهرست‌سازی و تقطیع مطالب در چارچوب موضوعی خاص؛
- بهره‌گیری از امور مشترک مسلمانان با استفاده از منابع مشروع و مشهور و از طریق قاطعیت بیان که جایی برای تردید باقی نمی‌گذارند (وحدت‌بخش و پُرمخاطب‌تر)؛
- یادآوری تاریخی و پیوند دادن آن با رویدادهای امروزی و درعین حال آینده‌نگری و برنامه‌ریزی؛
- استفاده از امور جذاب به‌خصوص برای جوانان (جلوه‌های بصری شامل عکس‌های عملیات‌های نظامی موفق، نظم، رنگ‌آمیزی و ...؛ داستان‌سرایی و قهرمان‌سازی از مثلاً شهدا برای ایجاد احساس غرور، تقبیح کار دشمن و نشان دادن راه نادرست او و راه درست خود و...)
- بهره‌جستن، هم از زبان ساده به‌خصوص خبری و هم از زبان آکادمیک، علمی و تخصصی شامل مباحث سنگین نظری برای علاقه‌مندان خاص آن‌ها؛ و
- همه‌جانبه‌نگری و تلفیق بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و لزوم توجه بیشتر به مسائل اولیه به‌خصوص اقتصادی و ارائه چهره‌حامی و دغدغه‌مند.

فهرست منابع

- ابراهیمی کیایی، محمدرضا (۱۳۹۱). *تهاجم خاموش*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). *متن کامل صحیفه انقلاب: وصیت‌نامه سیاسی-الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران*. تهران: نشر دانش‌پرو.
- حکیم‌آرا، محمدعلی (۱۳۹۳). *ارتباط متقاعدگرانه در تبلیغ*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- سبیلان اردستانی، حسن (۱۳۷۸). *جعل و تحریف خبر در رادیوهای بیگانه*. تهران: انتشارات اداره کل پژوهش معاونت سیاسی صداوسیما.
- سلطانی فر، محمد؛ هاشمی، فرحناز (۱۳۸۲). *پوشش خبری*. تهران: انتشارات سیمای شرق.
- صالح، صبحی (۱۳۵۹). *نهج‌البلاغه*. محمد مقیمی. تهران: کتابخانه سعدی.
- قزوینی حائری، سید یاسر (۱۳۹۴). «ارباب تکنولوژیک: سلفیون امروزی با توجه ویژه به رسانه، سهم عمده‌ای از پیشبرد عملیات نظامی برای آن قائل‌اند». تهران: *ماهنامه فرهنگ و علوم انسانی فرهنگ امروز*، سال دوم، شماره ۸.
- متولی، کاظم (۱۳۸۴). *افکار عمومی و شیوه‌های اقناع*. تهران: بهجت.

نجات‌پور، مجید؛ میلانی، جمیل؛ نجات، سید علی (۱۳۹۳). «پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای». *مطالعات رسانه و امت*، سال اول، شماره ۱، ص ۸۹-۱۰۱.

Bruscella, Jacqueline (2016, May). Constructing *Organizational Legitimacy Transactionally: The Communicative Constitution of ISIL*. PhD Thesis. Retrieved from SHAREOK advancing Oklahoma scholarship, research and institutional memory:

<https://shareok.org/handle/11244/34673>

Hoffman, Bruce (2006). *Inside Terrorism*. Rev. and expanded. New York: Columbia University Press.

Lippmann, Walter (1922). *Public Opinion*. New York: The Macmillan Company.

Overview of Daesh's Online Recruitment Propaganda Magazine, Dabiq (2015, December). Retrieved from THE CARTER CENTER: <https://www.cartercenter.org/.../pdfs/.../dabiqreport-12-17-15.pdf>

Vergani, M., & Bliuc, A. (2015, December). *The Evolution of ISIS Language: a Quantitative Analysis of the Language of the First Year of Dabiq Magazine*. Retrieved from Sicurezza, Terrorismo e Società: <http://www.sicurezzaerrorismosocieta.it/?p=322&lang=en>